سخن آغازین/ همه بودن و خرد جمعی ۲
از این زاویه/ سرنوشت نه در پیشانی بلکه در دستان ماست ۴
ابراهیم عمرانی: نگران انتخابات دوره سوم هستم ولی ۶
گله و انتظار..... ۸
همایش ۲۹ ..... ۱۰
همایش ۲۹ سکانس آخر..... ۱۲
یک توضیح و یک عذرخواهی..... ۱۳
اندر حکایت آموزش..... ۱۴
شرح شغل و شرایط احراز شغل کتابداران..... ۱۶
کتاب‌درمانی، تعامل بین فرهنگ و روانشناسی..... ۱۹
شماره استاندارد بین‌المللی موسیقی..... ۲۴
بررسی موردی از نقض اصل خواننده در ۲۷
آنان‌که فراموش نمی‌شوند/ چارلز امروز استوری..... ۲۸
یادی از استاد محمدعلی خاکساری..... ۲۹
طرح امانت بین کتابخانه‌ای کتابخانه‌های اصفهان..... ۳۱
کوتاه و گویا ۳۲
تازه‌وارد..... ۳۶
تفاوت وب‌لاگ با وب‌سایت چیست؟..... ۴۵
اصلاحات فهرست‌نویسی بعد از انتشار..... ۴۶

با ما همراه باشید...

■ از نویسندگان و مترجمان درخواست می‌شود شرح کوتاهی از مشخصات علمی و کاری نوشتاری خود را به ضمیمه مقالات ارسال کنند.

■ «خبرنامه» در ویرایش، تلخیص یا بازنگاری وآرشیو (عدم عودت مقالات) آزاد است.

■ چاپ مقالات وآثار در «خبرنامه» الزاما به معنای تایید همه جانبه محتوای آنها نخواهد بود.

خبرنامه
انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران
دو ماهنامه/ سال پنجم/ شماره۴
مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۵/ شمارهٔ پیاپی ۲۸
ناشر: کمیته انتشارات انجمن
زیر نظر: سیمین نیازی
سردبیر: سیدجلال حیدری‌نژاد

آتلیه گرافیک:
۸۸۴۰۳۷۵۹
مانوشت
مؤسسه مطالعات اجتماعی
طرح جلد: حسن رمضانعلی
ویراستار: سوده صیرفی
حروفنگار: زهرا رمضانعلی

نشانی دفتر انجمن:
تهران -بزرگراه شهید حقانی -بلوار کتابخانه ملی - سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
صندوق پستی: ۴۵۹۷-۱۱۳۶۵
تلفن سردبیر: ۸۱۶۲۳۱۸۷
سایت انجمن: **www. ilisa.ir**

مؤثری در بالندگی حرفه داشته باشند به گوشه انزوا رفته‌اند؟ چرا بر این اندیشه‌اند که یا حرفی برای گفتن ندارند، یا حرف آنان خریداری ندارد، یا نباید حرف بزنند؟ چرا جمع کثیری از کتابداران تصور می‌کنند که نه آنان، بلکه تعداد اندکی از همکاران آنها، باید مشکلات حرفه را چاره‌جویی کنند؟ چرا برخی بر این باورند که اصولاً هیچ حرکتی مثمر ثمر نیست، پس نمی‌توان کاری کرد؟ و چرای دیگر، نه آخری، آنکه چرا عده‌ای از پیشکسوتان، به جای تشویق دانشجویان و کتابداران جوان به حرکت‌های مشارکتی و گرویدن به انجمن، آنان را دلسرد و پرهیز می‌دهند؟

می‌دانم که پاسخ این چراها را باید در تاریخ و فرهنگ این سرزمین جستجو کرد، اما منطق و عقلانیت حکم می‌کند که از آنچه معقول و سودمند است و دیگران به نیکی آزموده‌اند پیروی کرد. بسیاری از حرفه‌های تخصصی و علمی مقبولیت و جایگاه اجتماعی خود را از طریق انجمن‌های خود به دست آورده‌اند. در اهمیت انجمن‌های حرفه‌ای و علمی همان بس که بسیاری از آنها دارای عمری بیش از سه یا چهار قرن می‌باشند. اکنون همگان دریافته‌اند که برای انسجام حرفه باید به تقویت انجمن پرداخت. توفیق انجمن هم به نوبه خود همه اعضاء را منتفع می‌سازد.

یکی از عوامل موفقیت انجمن و نیز یکی از عناصری که بر مشروعیت و مقبولیت انجمن می‌افزاید مشارکت همه اهل حرفه در اداره آن است. این امر، به‌طور معمول، از طریق برگزاری انتخابات هیئت مدیره انجمن و تعامل اعضا با هیئت مدیره منتخب خود صورت می‌گیرد. با وجود آشکار بودن اهمیت این امر، متأسفانه سطح مشارکت اعضای انجمن در نامزد شدن و در رای دادن بسیار ضعیف بوده است، به‌طوری که این امر در انتخابات دوره دوم به شکل بارزی پدیدار شد؛ نه تعداد نامزدها کافی بود و نه تعداد اعضای حاضر در جلسه برای رأی دادن و انتخاب هیئت مدیره. سرانجام، آن مشکل با نامزد شدن دوباره اعضای هیئت مدیره اول و محدود کردن رأی‌دهندگان به اعضای ساکن در تهران رفع شد، اما آن راه حل، چاره اساسی نبوده و نیست.

اکنون در آستانه سومین دوره انتخابات هیئت مدیره انجمن لازم است تا با انرژی و شوق بیشتری فعالیت کنیم. اکنون ضرورت "همه بودن" و "خردجمعی" بیش از هر زمان دیگر در حرفه ما آشکار شده است زیرا بقای مؤثر کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران و راهبردی که باید در جامعه علمی پیش گیرد نیازمند مشارکت همگان و هم‌اندیشی خردمندان است. کنار ایستادن و نظاره‌گر بودن نه‌تنها مشکلی را برطرف نمی‌کند، بلکه موجب تضعیف روحیه اجتماعی کتابداران می‌شود. از همه مهم‌تر آنکه، عدم مشارکت و فعالیت اجتماعی با روح و فلسفه کتابداری در تضاد است. بیائید با هم باشیم، به حرفه خود و نیز به نهادهای اجتماعی حرفه خود یعنی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی کمک کنیم.

خوشحال خواهیم شد شما را در جمع هیئت مدیره آینده زیارت کنیم.

همه‌بودن و خردجمعی

رحمت‌ا... فتاحی

جوامع را آدم‌ها می‌سازند، یعنی تک‌تک آدم‌ها جمع می‌شوند، جمعی می‌اندیشند و جمعی رفتار می‌کنند. پس اندیشه تک‌تک آدم‌ها در اندیشهٔ جمعی نمود پیدا می‌کند و رفتار تک‌تک افراد، رفتار اجتماعی را شکل می‌دهد. بدین لحاظ، فرد و جامعه در برابر هم دارای مسؤولیتی متقابل هستند. به‌عبارت دیگر، فرد و جامعه تفکیک نا پذیرند؛ مسؤولیت‌ها نیز غیرقابل تفکیک است.

روابط فرد و جامعه در طول تاریخ اجتماعی ایران از اشکال متنوع و در عین حال پر رمز و رازی برخوردار بوده است. در برهه‌هایی، جامعه ایران به لحاظ پویایی روابط و مشارکت اجتماعی شکل برجسته‌ای به خود گرفته و حرکت‌های اصلاحی و مترقیانه‌ای داشته است. در مواقعی نیز، گسست اجتماعی موجب جدایی فکری و رفتاری افراد از یکدیگر شده است. کاملاً بدیهی است که رشد و بالندگی ایران در طول تاریخ در دوره‌هایی حاصل شده است که پویایی اجتماعی و نه انزوای فردی، وجه غالب جامعه بوده است.

دو مقدمهٔ بالا را بدان جهت آوردم که حرفه ما، یعنی جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در شرایط حساسی به سر می‌برد. این حساسیت از آن‌روست که تحولات فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی از یک‌سو، و سیاست‌های جهانی و ملی کاهش اشتغال دولتی از سوی دیگر، آینده حرفه ما را با چالش‌های فراوانی رو به‌رو ساخته است.

در این زمینه بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، همه‌اندیشمندان بر این رأی متفق‌القولند که با هم‌اندیشی و خرد جمعی می‌توان بهتر عمل کرد و چاره‌اندیشید. بقای هر جامعه‌ای از جمله کتابداری و اطلاع‌رسانی در مشارکت فعال اجتماعی، و نه پراکندگی، نهفته است.

هر جامعه در طول حیات خود تلاش می‌کند تا راه‌ها و اسباب مشارکت اجتماعی را فراهم سازد: از مراسم مقطعی ساده مانند مراسم وصلت تا آئین‌های ملی، همه در گرو پویایی اصل مشارکت شکل گرفته و بقا یافته‌اند. به سخن دیگر، روح مشارکت جمعی را می‌توان در همه آئین‌ها و حرکت‌هایی که بقای تاریخی داشته‌اند مشاهده کرد. یکی از راه‌های "جمع" کردن افراد و یکی از نمودهای عینی "جمع‌گرایی" انجمن‌ها هستند.

نگاهی به تاریخچهٔ تأسیس و رشد انجمن‌ها مؤید این نکته است که هر انجمن بر مبنای نیازهای جمعی شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد. به‌عبارت دیگر، مقدم شمردن نیازهای "جمع" بر "فرد" شرایط لازم برای تولید و حیات هر انجمن را فراهم می‌سازد. اینکه چه عوامل و عناصری موجب آن می‌شود که افراد نیازهای جمعی را بر نیازهای فردی ترجیح دهند از حوصله این سخن کوتاه خارج است، چه هر عاملی، از جمله فرهنگی، سیاسی، اقتصادی می‌تواند در این گرایش دخیل باشد. اما آنچه مهم است آنست که رابطه مستقیم و مثبتی میان رشد جامعه و تعداد انجمن‌های آن وجوددارد. به بیان دیگر، در هر جامعه‌ای که گرایش به انجمن محوری و خردجمعی بیشتر باشد، آن جامعه از سعادت بیشتری برخوردار است.

به احتمال زیاد، همه شما خوانندگان این سطور، نسبت به آنچه گفته شد آگاهی دارید و سخن نگارنده را تازه نمی‌یابید. پس این درد دل برای چیست؟ برای دغدغه‌ای است که جمعی از کتابداران این مرز و بوم نسبت به آینده حرفه و به‌ویژه نسبت به جلوه عینی جمع‌گرایی یعنی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی دارند. دغدغه از آن‌روست که با وجود آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت اجتماعی و خردجمعی، چرا بسیاری از آنان که می‌توانند نقش

کم‌عمق و بی‌ثمر باشد، نباید به آنان خرده گرفت و این رویکرد به دانشجو و فعالیت‌های دانشجویی زخم‌های جدی بر این قشر می‌زند که دو مقصر و مسبب اصلی دارد، اول کسانی که این‌گونه فکر می‌کنند و این‌گونه القاء می‌کنند، دوم، دانشجویی که اجازه می‌دهد به او این‌گونه نگاه کنند و کارهایش را سبک و تمرینی و کودکانه بپندارند! به هر روی این نوشته تاب بحث و کنکاش بیشتر پیرامون آسیب‌ها و زخم‌هایی که از این بابت بر پیکره دانشجو می‌خورد به اضافه چرایی و چگونگی آن را ندارد اما همین که بدانیم این‌گونه نگاه‌کردن بیشتر زخم می‌زند تا مرهم بگذارد کفایت می‌کند.

و اما هستند دسته‌ای از افراد که هرگونه فعالیت دانشجویی را بسیار جدی فرض می‌کنند، و از دانشجو تمرین برای رفع تکلیف نمی‌خواهند، تحقیقش را محققانه می‌خواهند نه مقلدانه، پژوهشش را عمیق و نشریه‌اش را پربار و خواندنی می‌خواهند، سمینارها و همایش‌هایش را نشستی برای گپ و گفتگوهای سطحی فرض نمی‌کنند و خلاصه آن که دانشجو را "دانشجوینده" می‌دانند و می‌خواهند. در این رویکرد، دانشجو و فعالیت‌هایش از هر جنس و نوعی که باشند، بسیار جدی گرفته می‌شود و این نگاه است که دانشجو را به جلو می‌برد و جایگاه فعالیت‌های دانشجویی را ارتقاء می‌دهد و بسیار موارد مثبت دیگر وجود دارد که از پس این رویکرد می‌آید و در ایجاد این رویکرد نیز ۲ دسته سهیم هستند:

الف) استادان و خبرگانی که این‌گونه به دانشجو نگاه می‌کنند و این‌گونه می‌خواهند.

ب) دانشجویانی که با جدیت و تلاش، اجازه نمی‌دهند که به آنها به گونه‌ای ساده و سبک و سطحی نگاه شود.

خلاصه آن که سرنوشت فعالیت‌های دانشجویی، چه آنان که تاکنون صورت گرفته و چه آنان که در آینده صورت می‌گیرد، پیشانی نوشت این قشر نیست بلکه در دستان دانشجویان و اساتید آنان است.

انتخابات سوم

الف) انسان‌ها یا مجبورند یا مختار! اگر مجبورند، سرنوشت در پیشانی آنها نوشته شده است و اگر مختارند سرنوشت در دستان آنهاست. هر یک از این دو مورد در طول تاریخ سبب بحث و جدل‌های فراوان و البته تاکنون بی‌نتیجه نیز شده‌اند و هر یک نیز برای خود مراد و مریدهایی داشته‌اند ولی هیچ‌گاه یکی از آن دو بر دیگری چیرگی تام و تمام نداشته است. پذیرفتن هریک از این دو گزاره که: "انسان‌ها مجبورند" یا "انسان‌ها مختارند" ما را به سمت و سویی می‌برد و زندگی فردای ما را شکل و نمایی متفاوت می‌دهد.

ب) اسفند ماه ۸۵ که بیاید جامعه کتابداران ایران برای مرتبه سوم باید به انتخاب اعضای هیات مدیره انجمن بپردازد. انجمنی که آمده است تا به مسائل و مشکلات حوزه کتابداری و فعالان این حوزه بپردازد و از طرفی دیگر به یاری همه اعضای انجمن در ارتقاء جایگاه این حرفه و نشان دادن کارآمدی آن در دنیای جدید و هم‌چنین نقش کتابداران در ساماندهی و توزیع منابع دانش و اطلاعات بکوشد. انجمن کتابداری ایران و اعضای هیات مدیره فعلی آن هر چه که هستند و یا هر چه که دارند برآیند جامعه کتابداران ایران است. البته شاید بتوان گفت که نه همهٔ جامعه کتابداران ایران، بلکه آن دسته از کتابدارانی که بازیگرند و دل در گرو گزاره‌ای دارند که مختار بودن انسان را فریاد می‌زند، وگرنه آن دسته که صرفاً به تماشا پرداخته‌اند و هیچ‌گامی به پیش نگذاشته‌اند و دست از آستین بی‌عملی بیرون نیاورده‌اند قصه دیگری و روایتی دیگر دارند. جامعه کتابداران ایران، آن بخش که بازیگر است و می‌داند انجمن در صورت تنومند شدن و ریشه دوانیدن، نتایج مبارکی برای جامعه کتابداران ایران خواهد داشت باید تلاش کنند تا از هم‌اکنون آنانی را که صاحب فکر و ذوق و سلیقه‌اند برای نامزد شدن در انتخابات سوم ترغیب نمایند. اعضای هیات مدیره فعلی انجمن کم و بیش همان افرادی هستند که در دوره اول نیز انتخاب شدند و در اسفند ماه ۸۵ سال فعالیت بیشتر آنها به شش می‌رسد و شاید نیاز باشد که نیروهای جوان‌تر پا پیش بگذارند. دانش‌آموختگان کتابداری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری کم نیستند و هم این‌ها هستند که آینده انجمن را در دست خواهند داشت و هم این‌ها هستند که باید با آوردن طرح‌ها و نظرات و برنامه‌های جدید بر نفوذ و ارتقاء جایگاه انجمن که می‌تواند نماینده جامعه کتابداران ایران باشد تلاش کنند. اسفند ماه ۸۵ فرصتی است که اعضای انجمن کتابداری ایران می‌توانند با حضور و مشارکت هرچه بیشتر خود، آینده انجمن و راهی که انجمن باید طی کند را مشخص و روشن نمایند. راهی که قطعاً از میان صندوق‌های رأی عبور خواهد کرد به شرط آن که بدانیم : **سرنوشت در دستان ماست نه بر پیشانی!**

سرنوشت

نه در پیشانی

بلکه در دستان ماست !

سردبیر

آنچه در اولین قدم به آن خواهم پرداخت ربط وثیقی به سرخط این مطلب ندارد، نه این‌که ندارد اما اشاره‌ای مستقیم به آن نخواهد داشت ولی می‌توان با تغییر زاویهٔ دید، به‌گونه‌ای آن را تفسیر کرد که سرخط ما را نیز دربر بگیرد.

الف) انجمن‌های "دانشجویی" کتابداری پا می‌گیرند، دانشجویان کتابداری دانشگاه‌ها و موسسات گوناگون آموزشی برای خود نشریه چاپ می‌کنند، دانشجویان بعضاً صاحب وب‌لاگ می‌شوند، اتحادیه‌انجمن‌های دانشجویی در حوزه‌کتابداری راه‌اندازی می‌شود، همایش‌ها و نشست‌های گوناگون دانشجویی برگزار می‌شود، سفرهای دانشجویی شکل می‌گیرد، مقالات دانشجویی از راه می‌رسد، تحقیقات دانشجویی انجام می‌شود و .... بسیار چیزهای دیگر که همگی صفت "دانشجویی" دارند انجام می‌شود و نشان می‌دهد که دانشجویان کتابداری همانند دانشجویان حوزه‌های دیگر دانش، "دانشجوینده" هستند. گرچه شاید بعضی‌ها صفت "دانشجو" را بی‌دلیل با خود حمل می‌کنند و هیچ دل در گرو دانش و جستن آن ندارند اما روی سخن من با آن دسته‌ایست که از دل و ذهنشان دانش را می‌جویند!

ب) دانشجو صفت آدمیانی‌ست که طالب علم و دانش و آگاهی هستند و برای به‌دست آوردن آن جد و جهد می‌کنند و خوب می‌دانند که این راه پایان ندارد و هر چه آدمی در این راه پا پیش‌تر می‌گذارد، به عمق جهل و نادانی خود بیشتر پی می‌برد و شاید قضیه همان‌گونه باشد که ویل دورانت می‌گوید: "دانایی کشف گام به گام نادانی ماست"

در نگاهی چنین کلی شاید هر فردی خود را "دانشجو" بداند چراکه آدمی تا لحظه پایانی زندگی ناگریز است از دیدن و شنیدن و آموختن، هر چند که دیده‌ها و شنیده‌ها و آموخته‌ها سطحی باشد. ولی گاه "دانشجویی" گره می‌خورد به جوانی، هم‌زمان می‌شود با دورانی که انسان سینه‌چاک می‌شود برای آرمان‌گرایی، همراه می‌شود با سال‌هایی از زندگی که شورانگیزتر از آن پیدا نمی‌شود، هم‌پای لحظاتی از عمر می‌شود که پُر است از انرژی و انگیزه و فعالیت و رفتن و دیدن و شنیدن و فریاد زدن و اعتراض کردن و ... هزاران مورد دیگر.

و همه این‌ها بالقوه شرایطی را فراهم می‌کند که دانشجوی جویای دانش و آگاهی، بعضاً بتواند کارهایی هم‌وزن استادان و پیشکسوتان خود صورت دهد و کارها و فعالیت‌هایی که در بند الف است و تا حدی به آنها اشاره شد و صفت "دانشجویی" نیز دارند سبک گرفته نشود و به لحاظ آن‌که "دانشجویی" ست آن را کودکانه فرض نکنند.

پ) در مواجه با فعالیت‌های دانشجویان، دسته‌ای هستند که هرگونه فعالیتی که صفت "دانشجویی" دارد را سبک فرض می‌کنند، و آن را جدی نمی‌گیرند و در بهترین شرایط آن را تمرینی می‌دانند برای آینده و می‌پندارند که دانشجو در فعالیت‌های دانشجویی هرچه خطا کند بی‌اشکال است و هرچه سطح کار و فعالیتش سبک باشد به‌جایی برنمی‌خورد، و چنانچه پژوهش و تحقیقش

● j _heidarynezhad @ yahoo.com

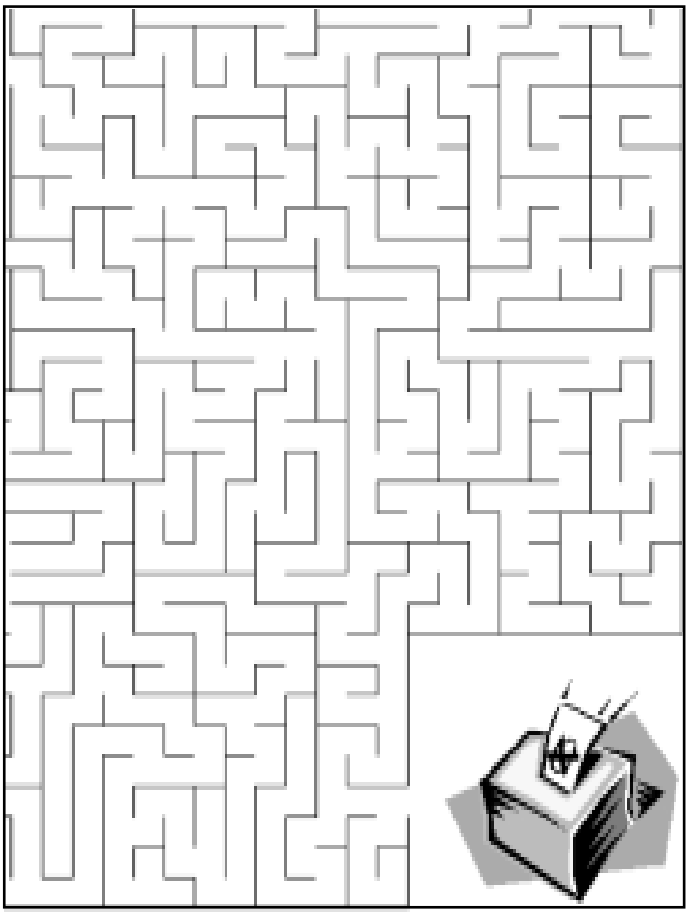

به هرشکل انتخابات انجام شد. عده‌ای به اجبار نامزد عضویت در هیأت مدیره شدند، چند نفری هم خود داوطلب شدند و هیأت مدیرهٔ دوم برگزیده شد که چهار نفر از هیأت مدیرهٔ قبلی را در خود داشت. کمیتهٔ همایش‌ها از ابتدای هیأت مدیرهٔ دوم، با تلاش برای عدم وقفه در برنامه‌های قبلی، شروع به برنامه‌ریزی با حضور نیروهای جوان کرد که این کار در گزارش‌های سالانه مفصلاً آمده و در اینجا فقط به اطلاع می‌رسانم که جلسات ۱۴روز یک‌بار کمیته با حضور جمعی از نیروهای جوان و فعال برگزار می‌شود. در یک‌سالهٔ اخیر، بنده بیشتر ناظر و رابط کمیته با هیأت مدیره بوده‌ام و جوانان ما، همهٔ امور را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.

در مورد انتخابات دورهٔ سوم، نگران هستم ولی نه به اندازه دورهٔ قبلی. اینک می‌دانم که هر هیأت مدیره‌ای که امور را به دست بگیرد، می‌تواند از کمیتهٔ انتشارات و هیأت تحریریه‌ای مانند سرکار خانم نیازی و جنابعالی بیشترین استفاده را ببرد. می‌تواند مطالب داخل آن را با سیاست خود جهت دهد ولی ساز و کار تغییر نمی‌کند.

می‌تواند از جوانان فعال و با دانش روزِ کمیتهٔ همایش‌ها مثل داریوش علیمحمدی، علیپور حافظی، احسان محمدی و دیگران کمک بگیرد، از تجربه‌های کمیتهٔ آموزش در برگزاری دوره‌ها و از همه مهم‌تر دفتر انجمن. در حال حاضر دفتر انجمن، کارهای معمول خود را می‌شناسد که به رغم تلاش‌های پنج‌سالهٔ خصوصاً جناب آقای دکتر خسروی و سرکارخانم امینی به دست آمده است و من مطمئنم سرکارخانم امینی و سرکارخانم عباسی، بار زیادی از شانهٔ هیأت مدیرهٔ جدید برخواهند داشت.

بنابراین و با این پشتوانه‌ها، باشهامت بیشتری می گویم که عضو انجمن و عضو کمیتهٔ همایش‌ها باقی خواهم ماند ولی نامزد عضویت در هیأت مدیره نیستم. اجازه بدهید دوستان جوان ما به هیأت مدیره بیایند و ما اگر توانی باقی مانده باشد، در کنار ایشان باشیم.

ابراهیم عمرانی:

نگران انتخابات دوره سوم هستم ولی نه به اندازه دورهٔ قبلی!

جناب آقای حیدری‌نژاد

از بنده خواسته‌اید در موردکمیته همایش‌ها و انتخابات انجمن چند خطی گزارش بنویسم. مورد اول یعنی کمیته همایش‌ها، تاکنون چند نوبت گزارش کار تقدیم شده است، در اینجا تنها به ساز و کار کمیته می‌پردازم و در کنار آن از انتخابات هم خواهم گفت.

در دوره اول من عضو هیأت مدیره نبودم و مسئول این کمیته در هیأت مدیره، جناب آقای دکتر فتاحی بودند و به علت بعد مسافت مشهد -تهران، من امور اجرایی را انجام می‌دادم. در دوره اول، پیشنهاد سخنرانی‌ها در هیات مدیره داده می‌شد و پس از تصویب، با استادان تماس می‌گرفتیم و آنها را به میزگرد یا سخنرانی دعوت می‌کردیم. در دوره اول، کمیته‌ای داشتیم که بیشتر کمیته برگزاری همایش بود تا کمیته همایش‌ها، به دنبال تالار، چاپ خبر گردهمایی، پارچه‌نویسی و تدارک یک پذیرایی کوچک و خودمانی و همه این‌ها بدون وسیله‌ای خاص و باکمک دانشجویان.

و یادمان باشد که هفت هشت ماههٔ ابتدای دورهٔ اول صرف ثبت انجمن و تدارکات ابتدایی شده بود و دو سال آخر آن دوره بود که ما تعدادی سخنرانی و میزگرد ماهانه برگزار کردیم و هر بار در یک تالار و هر بار به یک شیوه پذیرایی می‌کردیم و در بعضی از این تالارها امکانات کامپیوتری و تصویری کافی نداشتیم.

در پایان دورهٔ سه سالهٔ اول انجمن، بحث انتخابات پیش آمد. اکثریت اعضای هیأت مدیره، اعلام کردند که برای دور دوم نامزد نخواهند شد.

من نگران بودم. نهالی نازک، در باد رها می‌شد.

نمی‌دانم باید از کسی نام ببرم یا خیر، اگر نام ببرم، مسلماً کدورت‌هایی را ایجاد می‌کنم و اگر نام نبرم، شاید سخنم کاملاً مفهوم نشود و با این همه از نام‌ها چشم می‌پوشم ولی یادمان باشد که در انجمن‌های بزرگ دنیا، نام‌ها کارایی دارند. نام‌های خوش، کمک و امکانات می‌آورند. صاحبان نام‌های خوش، که معمولاً یک شبه خوشنام نشده‌اند، حال با سمت دولتی و یا بدون آن، مجموعهٔ روابط و امکاناتی را با خود به انجمن‌ها می‌آورند که بدون آن، انجمن‌ها، به خصوص انجمن‌های نو پا امکان شکل گرفتن و روی پای خود ایستادن را نخواهند داشت. این روابط، در بسیاری موارد روابط شخصی استاد است که به انجمن آورده می‌شود و بخشی از سرمایه‌های انجمن خواهد شد.

امیدوارم متوجه نگرانی من باشید، درست است که انجمن علمی است و بر عالمان کتابداری و اطلاع‌رسانی تاکید دارد، ولی این عالمان برای پیش‌بردکار به بودجه و امکانات نیاز دارند. جلسهٔ تدارکاتی انتخابات دورهٔ دوم در اصفهان و در حاشیهٔ سمینار سواد اطلاعاتی دانشگاه علوم‌پزشکی اصفهان برگزار شد. صادقانه بگویم، به اصفهان برای سمینار نرفتم، رفتم تا دوستان را متقاعد کنم که نباید در این مقطع از انجمن کناره بگیرند. رفتم تا یادآوری کنم خبرنامه به تازگی از شکل فتوکپی درآمده، رفتم تا یادآوری کنم، برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌ها و (به قول من ایجاد پاتوق علمی کتابداران)نیاز به حمایت جدی دارد تا تبدیل به سنتی زیبا شود. و نیز یادآوری کردم که کمیته‌های آموزش و پژوهش ما هنوز نیاز به کمک دارند و در این مقطع نباید از نامزد شدن در هیأت مدیره خودداری کنند و در آن جلسه که غیر از اعضای هیأت مدیره، افراد زیاد دیگری حضور داشتند، دیدم که این سخن من نیست، تقاضای همهٔ افراد حاضر است.

فراوان از مطالب مجله انجمن کتابداری و ایران در دوران تحصیل و تدریس و کار بیشتر افسوس بی‌همتی امروزمان را می‌خورم. یاد باد.

بگذارید اینگونه بنویسم، من شوق را در چشمان و رفتار دانشجویان کتابداری زمانی که یکی از پیشکسوتان را در جمع انجمن می‌بینند دقیقاً احساس می‌کنم. این فقط طعم دیدار است. چقدر دل‌انگیز است زمانی که از چشمه دانش آنها نیز بتوان در انجمن استفاده کرد.

خبرنامهٔ انجمن در همین وضعیت و موقعیتی که دارد جز به چند نام از این صدها بسنده نکرده است چراکه خود تشریک مساعی نداشته‌اند.

همایش‌های انجمن با اینکه بسیار مورد تأیید است در حسرت دیدار حضور جمعی بیشتر از آنچه‌که می‌آمدند و شرکت می‌کردند می‌گذشت. خبر، نقد، نظر، پیشنهاد، پژوهش وکارگاه آموزشی که همه نیاز به همت جمعی دارد و تنها با یک مسئول نمی‌تواند خود را نشان دهد که جای خود دارد.

همکاران عزیز و ارجمند فرصت انتخابات آینده در اسفند ۱۳۸۵در پیش است، کوتاهی‌های ما را، ندانم‌کاری‌های ما را با حضور خود به عنوان نامزد هیأت مدیره و عضو فعال در هر جایگاهی که هستید جبران کنید، باشد که ما از شما بیشتر یاد بگیریم.

مطمئن هستم روح انجمن و خرد جمعی ضروریست و مشکل ندارد. عیب از مسلمانی ماست. توجه داشته باشید باز هم به عنوان خزانه‌دار انجمن هرگز نگفته‌ام و ننوشته‌ام انجمن مشکل مالی دارد، انجمن مشکل جانی دارد. جانی پوینده و تلاشگر.

والسلام

معتقدم نسل جدید کتابداری ایران بسیار پرتوان، جوان و جستجوگر است و برخی از آنها پیشروتر از استادان خود در عمل و نیازمند به استادان خود در نظر هستند. لذا تأکید دارم که استادان در انجمن باید نقش هادی و دانشجویان عزیز نقش رهرو را ایفاء نمایند ولی اگر جای استادان در انجمن خالی بود، اگر حضور چهره به چهره مؤلفین، مترجمین و مدرسین آثار کتابداری با بهره‌گیران این آثار در انجمن و اجتماعات آن فراهم نشود به دلیل عدم استقبال خود این بزرگواران، پس کجا باید به دنبال چنین فرصتی بود؟

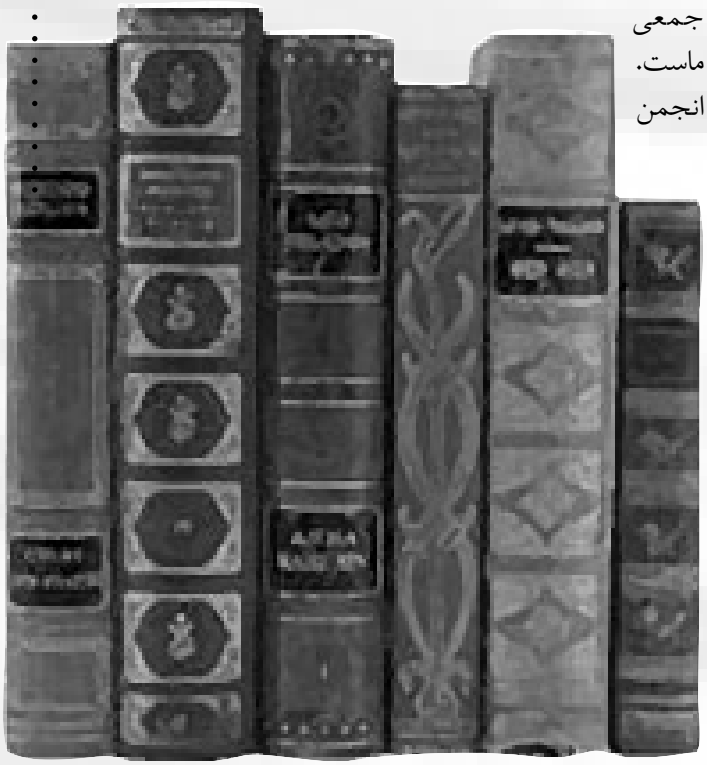

گله و انتظار

سیدکاظم حافظیان رضوی - کتابدار

زمانی که دوست و همکار عزیزم سیدجلال حیدری‌نژاد از من خواستندکه در یادداشتی درباره تجربیات شش ساله در انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی مطالبی را بنویسم. بسیار سخت خود را برای انجام دادن چنین کاری راضی کردم. دلایل آن را حتماً در شرایطی خواهم گفت یا نوشت اما زمانی که دیگر عضو هیأت مدیره نباشم و امتحان خود را -اگر عمری بود -به عنوان یک عضو انجمن داده باشم یا بدهم.

اکنون دیگر سی‌وسه سال است که به عنوان یک کتابدار می‌توانم مدعی باشم نقش خود را در جامعهٔ کتابداری ایران -تا حد بضاعت، توان و ظرفیت -ایفا نموده‌ام در موقعیت‌های گوناگون. بیست‌ویک سالش را در انتظار داشتن انجمن حرفه‌ای و علمی -خیال می‌کردم معجزه می‌کند -گذراندم. مقصودم بعد از انقلاب اسلامی است، چهار سال در نوجوانی کتابداری طعم دیگری را از انجمن قبل از انقلاب چشیده بودم و شش سال را هم با اینکه انجمن داشتیم در حسرت روحیهٔ انجمنی (بخوانید مدنی) داشتنِ اهالی کتابداری از صدر تا ذیل -منهای برخی استثناءها -به سر برده‌ام. در این سال‌ها بسیار شاهد نتایجی بودم که در پرتوی همت عزیزی یا عزیزانی در انجمن معمول داشته می‌شد اما به خاطر آنکه تداوم آن نیاز به روحیهٔ انجمنی (مدنی) داشت باز هم ...

اینکه باور داریم انجمن یعنی برگزاری یک انتخابات و معرفی جمعی به عنوان هیأت مدیره و دیگر هیچ ...شدیداً بر سر انجمن ما سایه افکند و به عنوان یک شاهد هر چه هیأت مدیره و جمعی از اعضاء سعی بر تغییر این باور داشتندکمتر موفق شدند، نمی‌دانم شاید قضاوت من است.

اجازه بدهید در همین جا این نکته‌که کارنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی کارنامه‌ای موفق است اشاره کنم و حق زحمات کشیده شده را ارج بگذارم، اما هدف این قلم این است که بگویم با روحیه انجمنی، اگر داشتیم بسیار بیش از این می‌توانستیم موفق باشیم.

همکاران عزیز و ارجمند فرصت انتخابات آینده در اسفند ۱۳۸۵ در پیش است، کوتاهی‌های ما را، ندانم‌کاری‌های ما را با حضور خود به عنوان نامزد هیأت مدیره و عضو فعال در هر جایگاهی که هستید جبران کنید، باشد که ما از شما بیشتر یاد بگیریم.

معتقدم نسل جدید کتابداری ایران بسیار پرتوان، جوان و جستجوگر است و برخی از آنها پیشروتر از استادان خود در عمل و نیازمند به استادان خود در نظر هستند. لذا تأکید دارم‌که استادان در انجمن باید نقش هادی و دانشجویان عزیز نقش رهرو را ایفاء نمایند ولی اگر جای استادان در انجمن خالی بود، اگر حضور چهره به چهره مؤلفین، مترجمین و مدرسین آثار کتابداری با بهره‌گیران این آثار در انجمن و اجتماعات آن فراهم نشود به دلیل عدم استقبال خود این بزرگواران، پس کجا باید به دنبال چنین فرصتی بود؟

زمانی‌که در خاطرات دانشجویی خود روز جشن دهمین سال فعالیت انجمن کتابداری ایران در سال ۱۳۵۵ در باشگاه دانشگاه تهران را بیاد می‌آورم‌که دانشجویی جوان بودم برایم دیدار بزرگانی در حوزه ادب و فرهنگ چون نجف دریابندری، سیمین دانشور، غلامحسین ساعدی، احسان نراقی و تقریباً به علاوه همه استادان حوزه کتابداری آن روز فرصتی مغتنم بود و از طرفی بهره‌گیری

غیر از تمجید از کار ایشان برای کار بر روی چنین موضوعی، در زمینه تلاش شورای کتاب کودک در راه‌اندازی کتابخانه کانون اصلاح و تربیت، چگونگی سطح تحصیلات کتابداران زندان، مسئله کتاب درمانی و نیز چگونگی ارائه کتاب و اطلاعات به طبقات مختلف بزهکاران بحث و گفتگو شد. سخنران بعدی سیدکاظم حافظیان رضوی بودند که در زمینه طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور و در نهایت مهندس رهنمافر درباره کاربرد فناوری اطلاعات در کتابخانه‌های عمومی - مطالعه موردی :کتابخانه های عمومی ایران به ایراد سخنرانی پرداختند. پس از پرسش و پاسخ کوتاه جلسه در ساعت ۱۸و خورده‌ای)!(نزدیک به هفت به کار خود پایان داد.

حاشیه بدون سوگیری

از زمان شروع سخنرانی ها سالن تقریباً پر بود و جمعیت به چشم می آمد. تا نیمه سخنرانی آقای رهنما نیز حضور جمعیت چشمگیر بود اما ...گویا سخنران محترم قصد داشت هرچه مطلب بلد بود یا به او گفته بودند را ارائه کند و توجه نداشت که زمانی محدود در اختیار دارد و با کتابدارانی مواجه است که تقریباً همگی دستی بر آتش آی تی دارند ونیازی نیست که از تاریخچه آی تی و تاثیر آن بر کتابخانه ها (مطالبی که به قول یکی از دوستان سه چهار ماه طول کشیده بود سخنران محترم در هنگام انجام یک پروژه درک کند و به وی تفهیم شود)برای آنها مکرراً گفته شود. این کار به قول معروف کتاب دی دی سی به کتابخانه ملی بردن است (ضرب‌المثل جدید .)نیمه‌های سخنرانی ایشان دکتر ابراهیم افشار یک تذکر جدی به سخنران داد" :که ما این موارد را می‌دانیم، خودتان چه کار کرده‌اید؟ "که گویا به مهندس محترم برخورد و گفت" :به من بیست و پنج دقیقه وقت دادند که سخنرانی کنم. فکر می‌کردم حوصله کتابدارها بیش از این باشد. "ولی سخنرانی او حدود ۴۵دقیقه طول کشید و حوصله حضار هم سر رفت و جز تعداد انگشت شمار کتابداران در سالن، بقیه به بیرون رفتند تا نفسی تازه کنند !جالب بود که ایشان باز هم به کار خود ادامه داد و ذره‌ای از اعتماد به نفسش کم نشد !!متاسفانه کسی متوجه نشد که در نهایت مهندس موردنظر چه کار کرده و ایشان هم اسلایدهای خود را در اختیار ما قرار نداد. به هرحال عده‌ای از این کامپیوتریست ها خود را مولد علم و اشرف مخلوقات فرض می‌کنند و دوست دارند که از بالا به افراد نگاه کنند چه رسد به این که طرفشان کتابداران هم باشند ...به قول معروف عجب صبری دارند کتابداران.....

همایش ۲۹

امیر اصنافی

یکی دیگر از همایش‌های ماهانه انجمن کتابداران ایران روز بیست و نهم شهریور ماه در کتابخانه ملی ایران برگزار شد. پیش از برگزاری این نشست، از ساعت دو و سی دقیقه در طبقه سوم کتابخانه ملی و دفتر معاونت، جلسه هیات مدیره انجمن با حضور دکتر فریبرز خسروی، کیانی، محمود شمسبد، سیدکاظم حافظیان رضوی، محسن زین‌العابدینی، ابراهیم عمرانی، داریوش علیمحمدی، سیدجلال حیدری‌نژاد، سیمین نیازی و سودبخش تشکیل شد. در این جلسه دربارهٔ مسائلی چون فعال‌تر کردن شاخه‌های انجمن در استان‌ها، وب‌سایت انجمن، نشریه مخصوص انجمن و مسائلی از این قبیل بحث و سپس در ساعت چهار در تالار شریعت‌زاده سخنرانی‌ها آغاز شد. پیش از آغاز سخنرانی‌ها ابراهیم عمرانی درباره انجمن و انتخابات هیات مدیره آن صحبت کرد و از کتابداران دعوت کرد تا در این انتخابات خود را نامزد کنند و حضوری فعال داشته باشند. سخنرانی اول را داریوش مطلبی در زمینه شابک ۱۳رقمی ارائه داد. ایشان در زمینه تاریخچه شابک و نیز ساختار آن توضیحاتی ارائه نمود. وی دلیل ۱۳ رقمی شدن شابک را افزایش بی‌رویه انتشارات چاپی و الکترونیکی در قالب‌های مختلف عنوان نمود. وی در ادامه بیان داشت که موسسات ملی شابک باید نرم‌افزارهای تبدیل ۱۰رقم به سیزده رقم را به رایگان عرضه نمایند. ناشران باید شابک‌ها را از نو محاسبه نمایند. نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای باید توانایی درک شابک ده رقمی و ۱۳رقمی را داشته باشند به‌طوری که هر دوی آنها قابل دسترسی و جستجو باشند.

پس از آن سخنرانی فاطمه لگزیان با عنوان بررسی کتابخانه‌های زندان در ایران ارائه گردید. او بر روی ۱۴۴کتابخانه زندان در ایران تحقیق کرده بود. از یافته‌های تحقیق این بود که تنها ۱۴کتابخانه زندان در ایران با استانداردهای کتابخانه‌های زندان ایفلا مطابقت دارند. بیش از دو میلیون کتاب در این کتابخانه‌ها وجود دارد که بیشترین سهم متعلق به کتابخانه زندان ساری با حدود یک میلیون کتاب (مشخص نشد که عنوان یا نسخه)، وکمترین آن متعلق به کتابخانه زندان گنبد بوده است. ایشان پیشنهاد کرد که انجمن کتابخانه‌های زندان در ایران فعال وکارگاه‌های کتابخوانی، کتاب درمانی، شعرخوانی در این کتابخانه‌ها ارائه شود. کتابخانه‌ها بهترین مکان برای اصلاح و تربیت بزهکاران در زندان‌ها هستند. با بررسی رفتار اطلاع یابی زندانیان می‌توان بهتر نیازهای اطلاعاتی آنها را تامین نمود. حتی می‌توان کارورزی دانشجویان کتابداری را در کتابخانه‌های زندان تشکیل داد تا با کار در این محیط آشنا ونیز آماده شوند. سپس جمعی از حاضرین درباره این تحقیق مسائلی را مطرح و بیان کردند و

یک توضیح و یک عذرخواهی

مسئول کمیته همایش‌ها

در جریان برگزاری نشست ماهانه انجمن در تاریخ ۶/۲۹/ ۸۵ اختلالی در صحبت سخنران چهارم پدید آمد. سخنران چهارم ما قرار بود مطالعه موردی خود را در زمینه برنامه‌ریزی کاربرد فناوری اطلاعات در کتابخانه‌های عمومی کشور که طرح موازی؛ طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور است ارائه دهند و ما برای ایشان ۲۵ دقیقه وقت در نظر گرفته بودیم. سخنران ما از بیرون از حوزه بود و تخصص ایشان کامپیوتر بود و با متون حوزه ما ناآشنا، لذا برای ورود به بحث مقدماتی در نظر گرفته بودند مثل تاریخ ه‌آی‌تی و آی‌تی در کتابخانه‌ها که در متون کتابداری نوین همه بحث شده و در همایش‌های انجمن هم هربار به نوعی از آن گذر شده بود. طولانی شدن بحث سخنران باعث شد که پس از بیست دقیقه از سخنرانی و تنها باقی ماندن ۵ دقیقه از وقتی که به ایشان داده شده بود از سوی همکاران حاضر مورد اعتراض قرار بگیرند که لطفاً، اصل مطلب را بفرمایید و هم رشته کلام ایشان و به تبع رشته فکر ایشان پاره شد و به علت تمام شدن وقت مطلب اصلی نیز درست ارائه نشد و در پایان نیز اعتراضاتی از جانب دوستان عنوان شد که صحیح بود.

در اینجا به عنوان مسئول کمیته همایش‌های انجمن از همه حاضران در نشست دیروز عذرخواهی نموده و قصور در بخش عمده این اختلال را بر عهده می‌گیرم و تلاش خواهد شد که این‌گونه مشکلات به حداقل برسد. در نشست دو جلسه گذشته کمیته همایش‌ها این مطلب که سخنران‌ها قبل از برگزاری اسلایدهای خود را به کمیته ارائه نمایند مطرح شد و حتی در مورد سخنران‌های دوم و سوم دیروز این مطلب انجام شد و حتی سخنران دوم دیروز تقاضای پخش چند اسلاید نمادین از نقش کتابخانه‌های زندان به عنوان کلید رهایی داشتند که یکایک اسلایدها مرور شد ولی اسلایدهای سخنران چهارم که نهایتاً سخنرانی ایشان ۴۵ دقیقه به طول انجامید هیچ کنترلی نشده بود و من در اینجا از همه حضار عذرخواهی می‌کنم با امید به اجرای مفیدتر برنامه‌ها.

ابراهیم افشار

همایش ۲۹
سکانس آخر

به عنوان یکی از حاضران جلسه اخیر انجمن از آقای عمرانی سپاسگزارم. ایشان بابت قصورکاری که به دیگری واگذارکرده بود پوزش‌خواهی می‌کند. مطابق معمول برنامه جلسه اخیر با "تغییرات پیش‌بینی نشده "جریان یافت و به‌جای ساعت شش تا حوالی ساعت هفت و نیم ادامه یافت بدون آن‌که پرسش و پاسخی هم انجام شود. این جدا از بی‌احترامی به حاضران می‌تواند موجب دردسر کسانی شودکه عازم شهرستان‌ها بودند. اما ایراد تنها متوجه سخنان نامربوط سخنران آخر نبودکه به‌جای گزارش‌کار خود به تدریس تاریخچه پیدایش و تحول فناوری اطلاعاتی پرداخت. آقای حافظیان نیز به‌جای گزارش‌کردن یافته‌ها و توصیه‌های "طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور "خود، به تاریخچه‌گوئی پرداخت و گفت چگونه وکی فکر این طرح به ذهن او رسیده است و آن را چگونه به تصویب رسانده است و بخش‌های آن چه بوده و لیست بلندبالای ناظران و مشاوران و همکاران خود را با استفاده چیره‌دستانه از پاورپوینت به حاضران عرضه داشت‌که می توانست موجب تحسین و حتی بندآمدن نفس دانشجویانی شود که اکثریت اعضا را تشکیل می‌دادند. اما مثلاً نگفت که پس از بررسی‌شان از کتابخانه‌های عمومی دیگرکشورها، به چه نکته قابل‌توجهی دست یافته‌اند و آن را چگونه در تدوین "طرح جامع "خود به‌کار برده‌اند. یا نگفت‌که مثلاً یافته‌های بررسی همکار ایشان، دکتر رحمت‌الله فتاحی در مورد وضع سازماندهی مواد درکتابخانه‌های عمومی کشور به نتیجه‌ای رسیده و از آن نتیجه در تدوین گزارش نهایی چه استفاده‌ای شده است.

این‌ها نکاتی بود که می‌توانست برای شنونده آموزنده و بصیرت‌افزا باشد وکنجکاوی را ارضاکند. درعوض آقای حافظیان فقط جعبه‌های زرورق پیچیده خود را در مقابل بینندگان به نمایش گذاشت و آنها را باز نکرد !وقتی این نکته را بعد از سخنرانی‌شان با ایشان مطرح کردم، پاسخی به این مضمون دادکه "مگر می‌شود شش هزار نسخه گزارش را در نیم‌ساعت خلاصه‌کرد؟ "اما بعد سخنی با این مضمون اضافه‌کردکه در یک‌کلام گزارششان می‌گوید اگر از فناوری اطلاعات استفاده شود، کتابخانه‌های عمومی کارشان درست می‌شود(!از آقای حافظیان خواهش می‌کنم اگر در نقل سخنشان تحریف‌کرده‌ام اصلاح یا تکذیب کنند.)

صرف‌نظر از این‌که چنین یافته‌ای اعتبار داشته یا نداشته باشد، همکار عزیز ما خود در عمل نشان دادند که شش هزار صفحه را نه در نیم‌ساعت بلکه در یک جمله نیز می‌توان خلاصه کرد!

آقای حافظیان حتی از طرز عمل سخنران بعد از خود نیز طی یک تشبیه طولانی دفاع‌کرد و آن را مناسب دانست و معتقد بود برای آن‌که اکثریت دانشجو حاضر مطلب را بگیرند، آن مقدمات ضرورت داشته است و مطلب نمی‌توانسته با زبان تخصصی بیان شود !حال آن‌که اشکال ربط مستقیم نداشتن حرف‌های سخنران با عنوان اعلام شده بود نه نوع زبان و مانند این‌ها.

سکانس آخر

شهید باهنر کرمان = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۲/۷دانشجو
شهید چمران اهواز = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۴/۵دانشجو
شیراز = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۵/۷دانشجو
علامه طباطبایی = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۶۷/۲دانشجو
فردوسی مشهد = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۴۴/۵دانشجو
قم = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۶دانشجو
یزد = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۸/۳دانشجو
کل دانشگاه‌ها = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۵۵/۲دانشجو

http://www.iranscholarship.net/document/Boors-1385.pdf

بهترین و بدترین

بهترین نسبت عضو هیات علمی تمام وقت به دانشجو به ترتیب در دانشگاه‌های الزهراء، شیراز و تربیت‌معلم تهران و بدترین نسبت عضو هیات علمی تمام وقت به دانشجو به ترتیب در دانشگاه‌های پیام‌نور، علامه طباطبایی و فردوسی مشهد دیده می‌شود. در این رتبه‌بندی دانشگاه تربیت مدرس به دلیل این که تنها در دوره‌کارشناسی ارشد دانشجو جذب می‌نماید لحاظ نشده است.

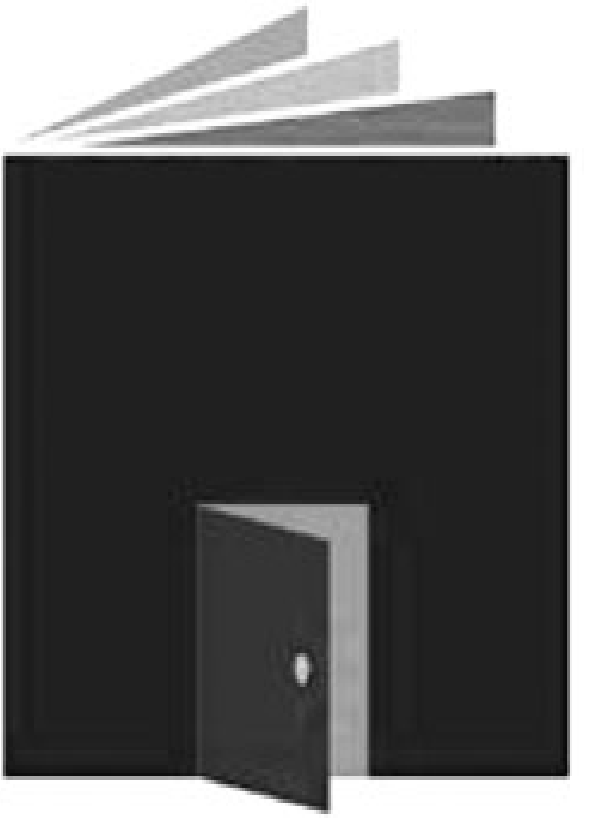

چند نکته قابل توجه

۱.تعداد دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد مشخص نبود.

۲ .از ۴۹۸۵دانشجوی دوره‌کارشناسی ۲۸۲۶نفر (۵۶/۶درصد) در دانشگاه پیام نور تحصیل می‌کنند.

۳ .تعداد اعضای هیات علمی تمام وقت دانشگاه‌های بوعلی سینا و تربیت معلم آذربایجان ذکر نشده است.

۴ .دانشگاه‌های زابل، سمنان، کردستان و مازندران ظاهراً دارای مجوز تاسیس گروه هستند؛ اما تاکنون عضو هیات علمی تمام وقت و دانشجو جذب نکرده‌اند.

۵ .دانشگاه‌های سیستان و بلوچستان و صنعتی اصفهان به ترتیب با ۲و ۱عضو هیات علمی تمام‌وقت بدون دانشجو هستند.

اندر حکایت آموزش

داریوش علیمحمدی

آنچه شاهدش خواهید بود از وب‌سایت اداره‌کل بورس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گرفته شده است. اعداد ذکر شده حاصل جمع آمار مربوط به کل گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی موجود در دانشگاه‌های زیر پوشش این وزارتخانه می‌باشد.

دانشجو					هیات‌علمی						
کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع	مربی	استادیار	دانش‌یار	استاد	تعداد بورسیه		جمع
									داخل	خارج	
۲۹۶	٤۹۸۵	۱۱۵	۱۷	٥٤۱۳	٦۱	۱۷	۸	۲	۵	۵	۹۸

نسبت اعضای هیات‌علمی تمام وقت به دانشجویان

اصفهان = به ازاء هر یک عضو هیات‌علمی تمام وقت ۲۵/۸دانشجو
الزهراء = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۱/۸دانشجو
بوعلی سینا = به ازاء هر صفر عضو هیات علمی تمام وقت ۲۵دانشجو
بیرجند = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۲/۶دانشجو
پیام نور = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۴۰۳/۷دانشجو
تبریز = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۳۳/۷دانشجو
تربیت مدرس = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۳/۶دانشجو
تربیت‌معلم تهران (که در حال انتقال به کرج است)= به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۶دانشجو
تربیت‌معلم آذربایجان = به ازاء هر صفر عضو هیات علمی تمام وقت ۳۳دانشجو
تهران = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۰/۷دانشجو
خلیج‌فارس = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۱۸/۷دانشجو
رازی = به ازاء هر یک عضو هیات علمی تمام وقت ۲۵/۶دانشجو

"برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی"، "خلاقیت، ابتکار و طراحی"، "دقت و تمرکز فکری"، "قضاوت و تصمیم‌گیری "و در نهایت "تجزیه و تحلیل مسایل "جزء مواردی هستند که در فرآیند وظایف کتابداران سیستم‌ها وجود دارد. هم‌چنین وجود قوای جسمانی در انجام وظایف کتابداران سیستم‌ها موثر است. البته در اوقات کاری، حالات بدنی کتابداران سیستم‌ها به ترتیب ایستاده؛ به صورت نشسته؛ در حال راه رفتن و حرکت و حالات دیگر می‌باشد

مهارت مورد نیاز کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی

آشنایی با خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی؛ توانایی استفاده از نرم‌افزارها و سخت‌افزارها؛ آشنایی با خدمات خودکار کتابخانه؛ آگاهی از نحوه سازماندهی منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه و نحوه بازیابی آنها؛ آشنایی با مسئولیت‌های کتابخانه‌های دانشگاهی؛ آگاهی از سابقه کارگزارانی که در زمینه خودکار سازی کتابخانه‌ها فعالیت می‌کنند؛ آشنایی با سیستم‌های عامل و نحوه کاربرد آنها؛ آشنایی با ساختار سازمانی کتابخانه‌های دانشگاهی؛ آگاهی از کاربردهای میزبان‌های وبی؛ آشنایی با برنامه‌ها و اولویت‌های سازمانی محل کار؛ آگاهی از کارکردهای شبکه؛ آگاهی از کارکردهای سرور؛ آگاهی از مشکلات کتابخانه‌های دانشگاهی و توانایی برطرف کردن و ارائه راه‌حل برای آنها؛ آشنایی با فرآیند پژوهش؛ آشنایی با نظریه‌های مدیریت و کاربرد آنها در اداره کتابخانه‌های دانشگاهی؛ توانایی تحلیل آماری؛ آگاهی از مسایل امنیتی شبکه‌ها؛ آشنایی با پروتکل‌های رایج شبکه‌ها؛ آگاهی از مسایل فنی شبکه‌ها؛ داشتن تجربه و دانش برای طراحی سیستم خودکار کتابخانه‌ای؛ درک ساختار شبکه و پارامترهای طراحی شبکه‌ها؛ آگاهی از مسایل مالی شبکه‌ها؛ آشنایی با اصول برنامه‌نویسی.

رئیس یا مرئوس

کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران زیر نظر رئیس کتابخانه فعالیت می‌کنند، ولی اغلب آنها سرپرستی افرادی را بر عهده ندارند.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه شود این است که معاون کتابخانه، سرپرست کتابخانه، معاون پژوهشی، اعضاء شورای فناوری اطلاعات دانشگاه، اعضاء شورای کتابخانه مرکزی و اعضاء هیات علمی دانشگاه افرادی هستند که فعالیت‌های کتابداران سیستم‌ها را بررسی و بازرسی می‌کنند. هم‌چنین یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کتابداران سیستم‌ها می‌توانند بدون مراجعه به مافوق تصمیم‌گیری نمایند. افراد تحت سرپرستی، انتخاب و سفارش انواع منابع اطلاعاتی مورد نیاز کتابخانه، تجزیه و تحلیل سیستم کتابخانه، بهینه‌سازی سیستم‌های تحت پوشش کتابخانه و چگونگی سرویس‌دهی و انجام پیگیری‌های لازم برای قطع یا ادامه ارتباط با بانک‌های اطلاعاتی، مواردی هستند که کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران می‌توانند بدون مراجعه به مافوق در مورد آنها تصمیم‌گیری نمایند. ارائه گزارش‌های روزانه و جاری نیز توسط کتابداران سیستم‌ها به مقامات مافوق از جمله فعالیت‌های آنان به شمار می‌آید.

شرایط شغلی کتابداران سیستم‌ها

"برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی"، "خلاقیت، ابتکار و طراحی"، "دقت و تمرکز فکری"، "قضاوت و تصمیم‌گیری "و در نهایت "تجزیه و تحلیل مسایل "جزء مواردی هستند که در فرآیند وظایف کتابداران سیستم‌ها وجود دارد. هم‌چنین وجود قوای جسمانی در انجام وظایف کتابداران سیستم‌ها موثر است. البته در اوقات کاری، حالات بدنی کتابداران سیستم‌ها به ترتیب ایستاده؛ به صورت نشسته؛ در حال راه رفتن و حرکت و حالات دیگر می‌باشد.

شرح شغل و شرایط احراز شغل کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران

فرشید دانش [۱]

شرح شغلی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد نتیجه پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان **«تهیه و پیشنهاد شرح شغل کتابداران سیستم‌ها و تعیین جایگاه سازمانی آنان در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران»**، به راهنمایی **دکتر عبدالحسین فرج پهلو** می‌باشد. این شرح شغل شامل مشخصات کامل شغلی کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران است.

عنوان شغل : عنوان شغلی که شرح شغل مربوط به آن تهیه شده است، کتابدار سیستم‌ها می‌باشد.

محل شغل : محل شغل کتابداران سیستم‌ها کتابخانه‌های دانشگاهی ایران است.

خلاصه شغل : کتابدار سیستم‌ها مدیریت فناوری‌های نوین به‌کار رفته در کتابخانه‌های دانشگاهی را بر عهده دارد.

وظایف کتابداران سیستم‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی همکاری با سایر بخش‌های کتابخانه؛ شرکت در انتخاب و سفارش نرم‌افزار و سخت‌افزار سیستم؛ شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکلات مربوط به سیستم خودکار؛ ارائه توصیه و پیشنهاد برای پشتیبانی از سیستم خودکار؛ بررسی و ارزیابی فناوری‌های رایانه‌ای موجود در سیستم خودکار؛ نگهداری از منابع اطلاعاتی الکترونیکی؛ آشنایی با فعالیت‌ها و وظایف کتابخانه‌های دانشگاهی؛ نگهداری از شبکه داخلی کتابخانه‌ها؛ ارائه و نگهداری دقیق رکوردها و گزارش عملکردهای سیستم خودکار؛ نگهداری سیستم یکپارچه کتابخانه؛ ایجاد ارتباط با کارکنان سایر بخش‌ها؛ پیش‌بینی نیازهای آینده؛ مدیریت کاربردی سیستم‌ها؛ نگهداری از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها؛ ایجاد ارتباط و هماهنگی با مراجعان کتابخانه؛ آموزش مراجعان و کارکنان در رابطه با شیوه‌کار با سیستم خودکار کتابخانه؛ تنظیم خط‌مشی‌ها و برنامه خودکارسازی کتابخانه؛ طراحی و راه‌اندازی اولیه سیستم خودکار کتابخانه‌ای؛ تعیین بودجه برای خرید سیستم خودکار کتابخانه‌ای.

۱- کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی

کتاب درمانی تعامل بین فرهنگ و روانشناسی

شیدا فتحی[1]

پیشرفت فناوری موجب گردیده است که انسان کارها را سریع تر به انجام برساند. این سرعت مشکلاتی را برای انسان پدید آورده است و انسان امروزی دیگر کمتر در ضیافت شب نشینی های دسته جمعی قرار می گیرد و آن داستانسرایی که حکایت ها و تحلیل اسطوره های زندگی روزمره انسان ها را در قالب شعر و کتاب بخواند به حداقل رسیده است. اینجاست که بشر امروز بیشتر احساس تنهایی می کند و نشخوارهای ذهنی او سؤالات بی جوابی را برایش به ارمغان می آورد. گرایش انسان به عنصری به نام «آگاهی» همواره در طول تاریخ ذهن جستجوگر او را به مبارزه با طبیعت و خشونت های آن برده است و بیشترین سازگاری انسان ها همیشه با محیط پیرامون به خاطر آگاهی پیداکردن آنها از دنیای اطراف خودشان بوده. از این سو بود که برای انتقال باورهای قبیله ای و قانونمند کردن توتم و تابوهای خود از گذشته های دور به فکر کشف خط، کاغذ، نقاشی و کتاب افتاده است. کتاب رسانه ای گروهی است که در آن مطالبی ضبط شده و قابل انتقال موجود است و بازیابی آن مطالب از نظر زمانی و مکانی محدود نیست (ابرامی هوشنگ، ۱۳۵۶) هر کتاب مطالبی را به شکلی ثبت می کند که متأثر از زبان، مکان و زمان مربوط به آن است. نوع نگارش کتاب ها در طول تاریخ متفاوت بوده است و به تدریج تکامل یافته اند و تاریخچه خطی که در نگارش به کار می رود به چند مرحله بزرگ تقسیم می شود: مرحله اول، تصویرنگاری یا بیان هر فکر به وسیله تصویر. برخی شواهد به جا مانده از فرهنگ باستانی مصر نشان می دهد که حدود پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح، نوعی نوشتار به صورت (تصویرنگاری) رایج بوده است اما توسعه خط و نوشتار هیروگلیف (حکاکی مقدس) در مصر باستان در زمان وحدت مصر در سیصد سال قبل از میلاد مسیح تحقق نیافت. بعد از عصر تصویرنگاری، مرحله اندیشه نگاری فرا رسید، در این مرحله افکار به کمک تصاویر بیان می شود، اما هر تصویر لزوماً مبین مفهوم انحصاری آن تصویر نبود، بلکه مفهومی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی واحد همدان

هم چنین کتابداران سیستم ها از ابزار و وسایلی ضمن کار استفاده می نمایند و وجود امکانات دیداری -شنیداری در شغل کتابداران سیستم‌ها ضروری است. سی دی های آموزشی، ویدئو پروژکتور، دیتا پروژکتور، اورهد، اسکنر، پرینتر، کامپیوتر و دوربین دیجیتالی از جمله امکانات دیداری -شنیداری هستند که کتابداران سیستم ها از آنها استفاده می نمایند. از سوی دیگر اخذ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته علوم کتابداری و اطلاع رسانی، داشتن ۱ تا ۵ سال سابقه کاری، تسلط به زبان انگلیسی، ۶ تا ۸ ساعت کار روزانه و گذراندن ۸ ماه تا ۱ سال دوره های تخصصی جزء حداقل شرایط احراز شغل کتابداران سیستم ها در کتابخانه های دانشگاهی ایران محسوب می شود. انواع دوره های تخصصی مورد نیاز عبارتند از: آشنایی با بانک های اطلاعاتی، آشنایی با نرم افزارهای کتابداری و اطلاع رسانی، آشنایی با شبکه های علمی، آشنایی با جستجوهای تخصصی در اینترنت، دوره های آشنایی کامل با سیستم های عامل، طراحی سیستم، مدیریت بهینه سازی، شبکه های کامپیوتری، طراحی صفحات وب، نصب و راه اندازی شبکه داخلی کتابخانه و دوره های تخصصی و کاربردی مربوط به کامپیوتر و شبکه.

هم چنین کتابداران سیستم ها در داخل و خارج از محل کار خود با افراد و سازمان ها در ارتباط هستند. اعضاء هیات علمی، دانشجویان، معاونت پژوهشی، ریاست کتابخانه، معاونت کتابخانه، سایر کتابداران، متخصصان کامپیوتر، کارگزاران منابع و بانک های اطلاعاتی، مسئول شبکه دانشگاه، شرکت های ارائه دهنده نرم افزارهای مورد نیاز کتابخانه، مرکز انفورماتیک دانشگاه و کتابخانه های سایر دانشگاه ها برای تهیه مقالات، انواع سازمان ها و افرادی هستند که کتابداران سیستم ها در کتابخانه های دانشگاهی ایران با آنها ارتباط دارند. در ادامه بررسی مشخص شد که کتابداران سیستم ها به امور مالی نمی پردازند. هم چنین انجام امور محاسباتی، آماری، تهیه طرح ها و مقررات در زمره فعالیت های آنان در کتابخانه های مرکزی دانشگاه های ایران قرار ندارد، و نیز پرداختن کتابداران سیستم ها به اسناد محرمانه لازم نیست.

وجود خطرات جسمی شغل کتابداران سیستم ها: بررسی ها نشان داد که کتابداران سیستم ها در زمان انجام کار با خطرات جسمی مواجه نمی شوند، ولی شرایط نامساعدی در محیط کاری آنها وجود دارد. رطوبت، گرما و سرمای شدید به دلیل نامناسب بودن دستگاه های تهویه، کمبود فضای کتابخانه، نور کم، سر و صدا، گرد و خاک و در نهایت کمبود تسهیلات لازم برای اداره شبکه کتابخانه، از جمله شرایط نامساعد محیط کاری کتابداران سیستم ها به شمار می رود.

کتاب می‌تواند آموزش دهد، استدلال و منطق بیاموزاند. عقاید فرد را دگرگون کند و در او قدرت تفکر منطقی ایجاد کند. الیس ریشه اضطراب‌های بشر را در افکار غیرمنطقی او دانست و تحلیل افکار اتوماتیک منفی در انسان می‌تواند با آموزش استدلال و منطق می‌توان او را از افکار پوچ و غیرمنطقی که در سیستم شناختی‌اش وی را معذب، غمگین، ناامید و منزوی می‌کند نجات دهد

عرضه شد و به تمام ابعاد زندگی، حتی فلسفه زندگی تعمیم داده‌شده، ممکن است این ابهام را در ذهن خواننده ایجاد کند که کتاب درمانی از هدف اصلی خود، یعنی درمان دور شده است. واقعیت این است که تمامی مراجعه‌کنندگان لزوماً از یک مشکل روان رنجوری تعریف شده برخوردار نیستند حتی مراجعینی وجود دارند که از هوش بالایی برخوردارند اما به علت مواجه شدن با یک رشته تعارضات فکری نسبت به مسائل هستی آرامش خود را از دست داده‌اند. این افراد چنانچه به تفسیر صحیحی از جهان هستی نایل آیند آرام می‌شوند گاه افرادی را می‌بینم که در فلسفه زندگی دچار حیرت‌اند و آرام و قرار ندارند و گاه فلسفه زندگی، یا تفسیر خاص آنان از هستی به گونه‌ای است که اگر آن فلسفه و تفسیر تغییر کند همه چیزشان تغییر خواهد کرد. مزلو در یکی از نوشته‌هایش اخطار می‌کند: هنگامی فلسفه انسان (فطرت او، توانایی‌های بالقوه او، عملکرد) تغییر کند، آنگاه همه چیز تغییر می‌کند. بعضاً انسان‌هایی در جامعه زندگی می‌کنند که به دنبال فضایی از زندگی خود هستند و کسب معنی در زندگی آنها را از افکار و نشخوارهای ذهنی نجات می‌دهد که این امر نیز می‌تواند با یک برنامه مدون و کتابی با اهداف مشخص فرد را به بینش لازم از معنای زندگی رساند و او را از فقدان معنی در زندگی منجر به عوارض عصبی و رفتاری خواهد شد نجات داد. هدف کتاب درمانی، استفاده از فن کتاب خواندن برای راهنمایی فرد و گروه است. این راهنمایی خود موجب بلوغ عاطفی، هیجانی و شناختی فرد و رشد تشخیص وی می‌گردد. کتاب درمانی اگر چه یک فن درونی نیست، اما بر اساس آگاهی خواننده از فرایند پویایی که در درون وی رخ می‌دهد پی ریزی شده است. از این فن می‌توان مستقلاً برای امر درمان استفاده کرد، یا به عنوان یک کار کمکی در سایر فنون روان درمانی از آن بهره گرفت. (هرینگ، ۱۹۸۷)

دیوید . و . شهیان ریاست تحقیقات کلینیکی و استاد روانپزشکی دانشگاه فلوریدای جنوبی اظهار می‌کند که : بسیاری از بیماران نمی‌دانند که جستجوی اطلاعات خوب در این مورد چقدر آسان است. کار کردن با یک کتابدار ورزیده، معمولاً اطلاعات مهمی در اختیار بیمار و خانواده‌اش قرار می‌دهد. ما اینک در دنیای اطلاعات و شاید بشود گفت که ما در عصر انقلابی اطلاعات زندگی می‌کنیم و دلیل ندارد که افراد عادی نتوانند در این میان مشارکت داشته باشند. آموزش و تعلیم بیمار در آینده از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار خواهد شد. گفته می‌شود که برای بیمار اطلاعات اندک پزشکی بسیار خطرناک است. بهترین راه حل در این مورد آن است که کسب اطلاعات بیشتر و بهتری را به بیمار توصیه کنیم به جای این که او را از دستیابی به اطلاعات ناامید سازیم. در زمینه تأثیر کتاب درمانی در فرایند درمان‌های روانی دیدگاه‌های مختلف روانشناسی نیز به اهمیت و تأثیرگذاری کتاب به عنوان مقوله‌ای از درمان توجه خاصی را داشته‌اند و آن را به عنوان تکنیکی تکمیلی در کنار سایر برنامه‌های درمانی استفاده می‌کنند. روانشناسان

دیگر را نیز می‌رساند. بعد از این مرحله واژه‌نگاری به وجود آمد. در این روش، هر واژه با نشانه معینی نوشته می‌شود که ممکن بود تصویر یک شئی یا یک علامت قراردادی باشد.

در پی واژه‌نگاری، دوره آوانگاری رسید. در آوانگاری هر تصویر، نمودار صدای معین بود. آخرین مرحله‌ی تکامل خط، هجانویسی بود. در هجانویسی هر هجا نشانه‌ای معین داشت چنان‌که در خط میخی این طور بود. سپس مرحله الفبایی رسید که در آن هجاها به نوبه خود تجزیه شد. و هر صوتی با نشانه‌ای مشخص می‌شد. انسان عصر حاضر از این خط بهره می‌گیرد. خط ایرانیان دوره هخامنشی میخی بود که نشانه‌های آن به ۴۲ می‌رسید. پس از غلبه یونانیان بر ایران خط آرامی رایج شد. در زمان ساسانیان خط اوستایی مرکب از ۴۴ حرف ابداع شد که بیشتر برای خواندن اوستا به‌کار می‌رفت و نیز خط پهلوی ساسانی که ۲۵ حرف داشت، پس از ظهور اسلام و نفوذش در ایران الفبای کنونی جایگزین آنها شد. گفتنی است که امروزه

به تدریج ضرورت نوعی همکاری بین پزشکان و کتابداران احساس شد به همین دلیل در سال ۱۹۰۴کتاب درمانی به عنوان جنبه ای از حرفه کتابداری شناخته شد.

خط‌های جدیدی نیز ابداع شده‌اند. مثل خط بریل برای نابینایان و در این میان کتاب نیز در مسیر تکامل خود برای رسیدن به شکل‌کنونی مراحلی را پشت سر گذاشته است‌که مراحل تحول و تکامل آن عبارتند از :سنگ نبشته، لوح فلزی، لوح گلین، لوح چوبین، طومار پاپیروس، طومار چرمین، کتاب پوستی و کتاب کاغذی. رواج کتاب به شکل کنونی مدیون کاغذسازی چینی‌ها در قرن دوم میلادی است. در قرن دوم هجری ایرانیان این صنعت را از چینیان آموختند و به ساختن کاغذ پرداختند. حدود چهارصد سال بعد اروپایی‌ها آن را از مسلمین آموختند. گوتنبرگ در قرن ۱۵میلادی دستگاه چاپ را اختراع کرد و اولین کتابی که چاپ شد انجیل بود. قدمت کتاب درمانی به قدمت خود کتاب یا بهتر است بگوییم به قدمت خود خواندن است (هرینگ، ۱۹۸۷، به نقل از تبریزی و آریا ۱۳۸۲)با تولد کتاب، زندگی انسان تغییری اساسی پیدا کرد و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و از اجتماعی به جماعت دیگر تسهیل شد و سرانجام در زمان‌کنونی‌کتاب تمام مرزهای جغرافیایی و فرهنگی را در نوردید. اما علی‌رغم سابقه بسیار طولانی و مؤثر کتابخوانی، مفهوم کتاب درمانی متعلق به دو قرن اخیر است (هرینگ، ۱۹۸۷، به نقل از تبریزی و آریا ۱۳۸۲)بنجامین راش در سال ۱۸۱۵استفاده از کتاب خواندن را به عنوان بخشی از طرح معالجه بیمار توصیه کرد. سان گلت دوم نیز در سال ۱۸۵۳عملاً برای درمان بیماران روانی از کتاب خواندن بهره می‌گرفت. چون در کتاب درمانی علاوه بر درمان بیماران روانی از کتاب خواندن نیز بهره می‌گرفتند. چون در کتاب درمانی علاوه بر شناخت بیماری، شناخت کتاب نیز ضرورت یافته و از طرفی باور به تأثیر این فن افزایش پیداکرد، به تدریج ضرورت نوعی همکاری بین پزشکان و کتابداران احساس شد به همین دلیل در سال ۱۹۰۴کتاب درمانی به عنوان جنبه‌ای از حرفه‌کتابداری شناخته شد. وقتی کتابی در دست می‌گیریم و از آن استفاده می‌کنیم در واقع مدیون میراث عظیم و گرانقدری هستیم‌که محصول تلاش هزاران هزار انسان در طول قرن‌ها است. مطالعه‌کتاب فرایندی است‌که موجب کسب بینش، بصیرت و ارتقاء سطح آگاهی فرد می‌گردد و قدرت تعقل انسان را وسیع‌تر می‌نماید و درکل موجب راهنمایی فرد در تغییر افکار و باورهای وی می‌گردد. اصطلاح «راهنمایی» که مفهوم لغوی آن هدایت و ارشاد است مفهوم گسترده‌ای دارد (شفیع آبادی، ۱۳۶۶)و در قالب اصطلاحات مربوط مشاوره نیز از دامنه بسیار وسیع‌تری برخوردار است و مطالعه‌کتاب یا مقاله و گوش دادن به یک سخنرانی و خطابه را هم می‌تواند شامل باشد. راهنمایی بصیرت فرد را در زمینه‌ای افزایش می‌دهد و موجب شناخت فرد و نیل به درجات بالاتری از کمال و معرفت می‌گردد. (شفیع آبادی، ۱۳۶۶)با توجه به توضیحات داده شده اکنون باید گفت :مراد از کتاب درمانی، راهنمایی و مشاوره با استفاده از کتاب می‌باشد. با این تعریف حیطه‌کتاب درمانی بسیار وسیع و گسترده می‌شود و می‌تواند میلیون‌ها انسان را عملاً زیر پوشش قرار دهد. انسان‌های بیماری که علی‌رغم سلامت مغز و سلسله اعصاب و غدد و اندام‌های بدن، از بیماری رنج می‌برند، انسان‌های سالمی که دچار مشکل یا مشکلاتی شده‌اند و یا انسان‌های سالمی که برای رشد و شکوفایی خویش به شناخت خود و محیط پیرامونشان نیاز دارند. تعریف گسترده‌ای که از کتاب درمانی برای راهنمایی

حال که به تأثیر کتاب در درمان انسان‌ها پرداختیم و دیدگاه‌های مختلف بزرگان روانشناس را در این مقوله بررسی کردیم ضروری است متذکر شویم سلول‌های مغزی نیز نیازی را دارند که کمتر از نیازهای فیزیولوژیکی در انسان نیستند و آن نیز نیاز به آگاهی است که این نیاز با کسب اطلاعات به دست می‌آید. کسب آگاهی موجب وسعت نگاه و نگرش انسان شد. و نگرش تونلی انسان را تغییر داده و فرد را منعطف‌تر می‌کند امروزه و در این قرن که قرن اضطراب نامگذاری شده است انعطاف فکری - شخصیتی موجب حفظ آرامش زندگی در گرداب فشارهای عصبی روزمره زندگی می‌گرد.

کتاب به عنوان یکی از نقاط اتصال فرهنگ به روانشناسی تأثیر شگرفی را در رشد سیستم فکری انسان‌ها و تغییر باورهای آنان دارد.

مطالعه کتاب تأثیرات فراوانی را در فرد می‌گذارد از جمله می‌توان گفت که در مطالعه یک کتاب یا بخشی از آن، فرد با الگو قرار دادن و همانندسازی با شخصیت‌هایی که آن را مطالعه می‌کند نوعی تخلیه روانی - هیجانی در وی صورت می‌گیرد.

همچنین می‌تواند به بلوغ هیجانی، جذب فراگیری ارزش‌های انسانی، افزایش حساسیت اجتماعی و آموختن دستورالعمل‌هایی برای زندگی بهتر به فرد کمک کند. مطالعه یک کتاب خواننده را در زمینه‌های تفکر، تحلیل نگرش‌ها و رفتار، کمک به شناخت علل رفتار خود و دیگران و تأمین سازگاری مطلوب و همچنین تجربه کردن رفتار در ذهن و به دست آوردن بصیرت فرد نسبت به محیط پیرامون خود.

درکل می‌توان چنین گفت: کتاب درمانی یکی از نقاط اتصال فرهنگ و روانشناسی است که یک درمانگر با آگاهی از مشکل روانی - اجتماعی یا شخصیتی مراجع خود و شناختی که از کتاب‌های مؤثر در زمینه مشکلات مراجعین خود دارد.

در زمینه مشکلات مراجع در کنار سایر تکنیک‌های درمانی با استفاده از تکنیک کتاب درمانی نیز کتابی را به مراجع جهت مطالعه پیشنهاد می‌دهد.

پس کتاب درمانی تسهیل یک تغییر درونی در فرد از طریق درک شناختی بیشتر از خودش می‌باشد (هرینگ، ۱۹۸۷، تبریزی و آریا، ۱۳۸۲) در پایان نویسندگان مقاله با توجه به پیدایش عصر تأمل و گرفتن تحرک از انسان‌ها پیدایش فناوری و ماشین‌های غول پیکر و دامن‌گیر شدن بحران عاطفه در عموم با زیستن در این قرن اضطراب و انفجار اطلاعات، سه کتاب زیر را در راستای اهداف گفته شده به خوانندگان مقاله و سایر افرادی که در خوشه‌ی زیست امروزه زندگی می‌کنند پیشنهاد می‌کنند، امید است بتوان در سیستم شناختی فرد و جامعه نهادینه کرد که کتاب دانشگاهی است به یاد ماندنی و «تغییر» و «آگاهی» واژه‌های ثمره مطالعه کتاب در جدول الفبای زندگی می‌باشند.

- ویکتور فرانکل، انسان در جستجوی معنی، ترجمه نهضت صالحیان، مهین میلانی

- آرون نی بک، عشق هرگز کافی نیست، ترجمه مهدی قراچه داغی

- نورمن پیل، مثبت درمانی، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)

دیدگاه مکتب شناختی آشفتگی انسان را معلول تفکر غیرمنطقی و غیرعقلانی می‌دانند و درمان آن را به وسیله آموزش استدلال و منطق، و هدایت مستقیم مقدور می‌شمارند جالب است بدانیم که کتاب درمانی می‌تواند تمامی اهداف فوق را تأمین کند.

کتاب می‌تواند آموزش دهد، استدلال و منطق بیاموزاند. عقاید فرد را دگرگون کند و در او قدرت تفکر منطقی ایجاد کند. الیس ریشه اضطراب‌های بشر را در افکار غیرمنطقی او دانست و تحلیل افکار اتوماتیک منفی در انسان می‌تواند با آموزش استدلال و منطق می‌توان او را از افکار پوچ و غیرمنطقی که در سیستم شناختی‌اش وی را معذب، غمگین، ناامید و منزوی می‌کند نجات دهد.

فردریک پرز نیز روان رنجوری را ناشی از توقف یا رکود رشد می‌داند و فرد سالم را کسی می‌داند که آگاهی‌اش را گسترش دهد و کتاب نیز به عنوان یک مقوله می‌تواند بر پیوستاری از آگاهی‌های انسان بیافزاید. همچنین ویکتور فرانکل بنیانگذار مکتب معنی درمانی نیز فقدان معنی را در زندگی انسان‌ها اصلی‌ترین علت بروز روان رنجوری می‌داند. در این دیدگاه نیز آگاهی بر فرایند و تعاملات زندگی موجب می‌گردد که فرد برای آن معنایی را پیدا کند و حتی اگر رنج نیز در زندگی حاکم شود با پیداکردن معنای رنج و معنی دادن به آن تحملش نیز بر انسان آسان خواهد گردید. بدین وسیله فرانکل می‌گوید : حداقل خدمتی که نویسنده می‌تواند به خواننده بکند، برانگیختن حس همبستگی او است. (فرانکل، ترجمه‌ی تبریزی و علوی‌نیا ۱۳۷۱)

استاد روانپزشکی دانشگاه فلوریدای جنوبی اظهار می‌کند که : بسیاری از بیماران نمی‌دانند که جستجوی اطلاعات خوب در این مورد چقدر آسان است. کار کردن با یک کتابدار ورزیده، معمولاً اطلاعات مهمی در اختیار بیمار و خانواده‌اش قرار می‌دهد.

دیدگاه روانکاوی فروید نیز بر آگاهی انسان از عوامل ناخودآگاه خود و آوردن سرکوبی‌های ناخودآگاه به سطح خودآگاه موجب درمان افراد روان رنجور می‌شود که آگاهی فرد از اندرون خود می‌تواند به وسیله یک کتاب نیز صورت گیرد و موجب کسب بینش و بصیرت فرد گردد. همچنین فردی که کتابی را مطالعه می‌کند با استفاده از مکانیسم‌های مختلف دفاعی در وی تخلیه روانی هیجانی صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از روانشناسان عرصه فرهنگ و روانشناسی اریک فروم در فرایند تحقیقات خود سرانجام به این نتیجه رسید که عامل تعیین‌کننده رفتار فرهنگ است. به همین جهت نیز صریحاً نوشت «شخصیت، خواه سالم و خواه ناسالم بستگی به فرهنگ دارد. فرهنگ است که مانع و حامی رشد و کمال مثبت انسان است.»[۶]

بی‌گمان برای ایجاد تأثیرات فرهنگی مطلوب می‌توان به بسیاری از عوامل و ابزارها تکیه کرد. اما به هر حال کتاب یکی از مهم‌ترین آنهاست. به کمک کتاب می‌توان عناصر جدید فرهنگی را به ذهن خواننده انتقال داد و ترکیب جدیدی را در او ایجاد کرد. مورنو نیز بر نقش و تأثیر «آثار پایبند فرهنگی» در شخصیت افراد تأکید فراوانی دارد. وی عقیده دارد که خواننده آثار فرهنگی، تحت تأثیر محتوی آنها قرار می‌گیرد و به سیری از شخصیت‌هایی را که به وسیله کتاب با آنان آشنا می‌شود، سر مشق خود قرار می‌دهد. به عقیده مورنو خوانندگان این آثار در هر حال از آنان تأثیر پذیرفته و آن تأثیرها را در رفتار خود منعکس می‌کنند. وی در مورد آثار پایبند فرهنگی می‌گوید: این آثار ممکن است به صورت دیوان شعرا و نویسندگان، یک تابلوی نقاشی، یک آهنگ موسیقی باشد. بعضی از این آثار جنبه باستانی و دیرینه دارند و بعضی دیگر تازه به وجود آمده‌اند مثل کتابی که تازه تألیف شده است».

محسن زین‌العابدینی از افرادی‌ست که گاه و بی‌گاه قلم به دست می‌گیرد و آنچه در دل و ذهن دارد را به روی کاغذ می‌آورد و روانه خبرنامه می‌کند. در نامه‌ای که پیش رو دارید وی خواننده را به برخی بی‌احتیاطی‌ها در خبرنامه توجه می‌دهد که دست‌اندرکاران خبرنامه از این بابت پوزش خواسته و امیدوارند این اشتباهات کمتر شوند.

بد اقبالی نام ها در خبرنامه

محسن حاجی زین‌العابدینی

خبرنامه شماره "خرداد و تیر "۱۳۸۵به دستم رسید. شروع به مطالعه کردم. آخر عادت دارم از "ب "بسم‌الله تا "ن "پایان این خبرنامه را ببینم و بخوانم. رسیدم به صفحه دوم. مطلب سردبیر محترم با عنوان "خوب، بد، کمی خوب‌تر "را خواندم. به نظرم جالب رسید. زیرا اگر همه در این اندیشه باشیم که هر بدی را خوب و هر خوبی را خوب‌تر کنیم، دنیایمان گلستانی می‌شود، گلستان‌تر از گلستان سعدی. خواندم تا متوجه شدم دارم طرح پشت جلد نشریه را نگاه می‌کنم. اما همه‌اش در بین خوب و بد و خوب‌تر در نوسان بودم. کجایش خوب است؟ کجایش بد است؟ کجایش می‌تواند کمی خوب‌تر باشد؟ شروع به شمردن خوب‌هایش کردم و دیدم دیگر انگشتانم برای شمارش کفاف نمی‌دهند. پس به دنبال بدهایی که می‌توانند خوب باشند و خوب‌هایی که می‌توانند کمی خوب‌تر باشند گشتم که هم با انگشتانم قابل حساب باشند و هم کلاً گیر دادن و بدبینانه نوشتن کلاس بالاتری دارد.

این آقای سردبیر هم که آنقدر سوزن و جوالدوز به آدم می‌زند که اگر نقدی و اشکالی ننویسی، انگار مرتکب گناه کبیره شده‌ای. اصلاً آدم شک می‌کند که جریان چیست؟ هیچ بقالی این‌قدر پنبه دوغ خود را نمی‌زند. انگار این سردبیر محترم ما وسواس انتقاد دارد که تا ۱۲/۵-۷/۵سانت جای خالی در این خبرنامه نحیف پیدا می‌کند، التماس نامه‌ای برای نقد مرقوم می‌فرماید. ما هم به خود گفتیم، قلم مفت و ایمیل مفت. در ضمن تا اوضاع به هم نریخته ما حساب ارائه مطلب خودمان به خبرنامه، که قرار است هر ۱۶سال یک‌بار نوبتمان بشود را سریع‌تر صاف کنیم. تا ۱۶سال دیگر کی مرده و کی زنده؟ این آقای سردبیر هم که مطالب معمولی ما را تا کلی سفارش و خواهش نکنیم، به این راحتی‌ها منتشر نمی‌کند. پس بگذار اپوزیسیونی بنویسیم شاید ما هم نمره‌ای خوب بگیریم و چند سطری از خبرنامه را مزین کنیم. بعد عینک بدبینی‌رو برداشتیم و در گوشه و کنار خبرنامه به کنکاش مشغول شدیم. الحق که هر چه گشتیم، کمتر چیزی یافتیم. گفتم": بی‌انصاف نمی‌ذاره بدبینایی مثل ما دو زار کاسب شن. "خلاصه داشتم در سرازیری ناامیدی رها می‌شدم که "شاهد از غیب "رسید. به یه رگه سوتی برخوردم. انگار که گنجی پنهانی را یافته باشم به مرور چندباره دو صفحه آخر پرداختم. اولش ذوق زده شدم ولی بعد به خودم گفتم": منصف باش. توی این ۳۶صفحه قبلی اشکال دندان‌گیری ندیدی، حالا چند تا اشتباه‌رو می‌خوای علم کنی که چی؟ "بعد دوباره یاد "خوب، بد، زشتِ "سردبیر محترم افتادم و هلهله‌کنان با خودم فریاد زدم "اریکا "و بر صفحه کلید فشردم تا نوشت:

"**این یه کم بدها را خوب کنید کمی خوب‌تر می‌شود**"

۱. در ستون دوم صفحه ۳۸، قسمت اخبار جلسه ۶۷هیات مدیره انجمن در سطر آخرش از قائم‌مقام شهرداری تهران با نام آقای "مازیار تیلچی "نام برده شده است. اسم ایشان آقای "نیلچی "است.

۲. در همان ستون دوم، قسمت اخبار جلسه ۶۸، خبری از آقای "منیع‌زاده "درخصوص رای‌گیری انتخابات شاخه اصفهان درج شده که نام ایشان نیز آقای "صنیع‌زاده "است که یکی از معدود کتابداران شاعر هستند و به این سبب بسیار معروف هستند..

International standard Music Number (ISMN)

شماره استاندارد بین‌المللی موسیقی (شابم)

شماره استاندارد بین‌المللی موسیقی (ISMN)بر مبنای استاندارد ایزو ۱۰۹۷۵در سال ۱۹۹۳بنا شده است، و بسیار شبیه به شماره استاندارد بین‌المللی شابک (ISMN)است.

ISMN برای پردازش و مدیریت موسیقی‌های چاپی، داده‌های کتابشناختی حوزه موسیقی و تبادل اطلاعات در سطح بین‌المللی طراحی شده است. این شماره با نظام بین‌المللی کدگذاری کالا و خدمات ۱۳ - EAN(که امکان تبدیل شماره‌ها به رمزینه‌های قابل خواندن به وسیله ماشین را فراهم می‌کند)سازگار است.

با رشد روزافزون تجارت موسیقی در سال‌های اخیر و تبدیل شدن آن به تجارتی جهانی، مشکل شناسایی آسان عنوان و یا ویرایشی خاص افزایش یافته است و به آسانی نمی‌توان صفحه موسیقی خاص را به وسیله سازنده اثر شناسایی کرده و سفارش داد و عنوان آهنگ و آهنگساز، مشخصه منحصر به فرد و مناسبی برای شناسایی محسوب نمی‌شوند. این جاست که ISMN یک ابزار مؤثر برای هدایت تمام فرایندهای تولید، انتشار، فروش و امانت انتشارات موسیقی است، بنابراین ناشران، تجار و کتابداران حوزه موسیقی از راه‌اندازی و معرفی نظام ISMNدر حوزه‌کاری خود بهره‌مند می‌شوند.

چرا به نظامی برای شماره‌گذاری محصولات چاپی موسیقی نیاز داریم؟

نظام‌های شماره‌گذاری به اندازه شماره‌های تلفن و پلاک‌های ماشین مفید هستند، زیرا به عنوان تنها کلید منحصر به فرد برای شناسایی محصولات عمل می‌کنند و هر شماره در نظام ISMN، ویرایش خاص از اثر را در سطح بین‌المللی شناسایی می‌کند.

شما ممکن است اطلاعاتی درباره ویرایشی خاص، ناشر یا صحاف اثر داشته باشید، و یا بخواهید نغمه‌نگاشت‌ها(نت‌ها)، بخش‌های خاص یا آثارسازی خاص را جستجو کنید، بدون استفاده از این شماره جستجوی آنها ممکن نیست. ISMNمی‌تواند همه اطلاعات اضافی علاوه بر نام آهنگساز و عنوان اثر را فراهم می‌کند.

مشخصات ناشران موسیقی عضو نظام ISMNدرکتاب راهنمای بین‌المللی ناشران موسیقی درج می‌شود. این راهنما مرجع بسیار کامل و روزآمد برای تجارت جهانی موسیقی چاپی و اطلاع‌رسانی درکتابخانه‌ها است که با استفاده از آن به آسانی می‌توان ناشر، کشور و یا منطقه‌ای که ISMNبه آن تعلق دارد را شناسایی کرد. عضویت در نظام ISMNپیش‌نیازی برای حضور در تجارت الکترونیکی موسیقی در سطح بین‌المللی است.

شماره ده رقمی ISMNامکان شماره‌گذاری صد میلیون عنوان موسیقی چاپی را فراهم می‌کند.شماره استاندارد بین‌المللی موسیقی مشخصه‌ای منحصر به فرد است برای :

فرایندهای تولید و ویرایش- مدیریت مرجوعی‌ها - کنترل موجودی - سفارش از راه دور(تلفنی) - حسابداری - سفارش صحافی- بازیابی اطلاعات - تولید راهنمای موسیقی‌های موجود در بازار music - in - print

توزیع و امانت بین کتابخانه‌ای- تولید کتابشناسی ملی موسیقی سامانه الکترونیکی فروش

بررسی موردی از نقض اصل خواننده در سر عنوان‌های موضوعی فارسی

شراره گودرزی[۱]

تدوین سر عنوان‌های موضوعی برای تعیین محتوای کتابها پاسخی است به یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به نظم و اینکه نظم مایهٔ تسهیل دستیابی به خواسته‌هاست.

هدف نهایی در تمام مراحل فهرستنویسی و رده‌بندی، خواننده است. همهٔ مسائل دیگر از قبیل سادگی، منطقی بودن، ساختمان و فرم سر عنوان‌های موضوعی فارسی و ...در مرحلهٔ دوم اهمیت قرار می‌گیرد. منظور از جملات بالا این است که بدانیم خواننده ضمن استفاده از برگه‌دان موضوعی کتابخانه، از طریق چه کلمات و با کدام نظم، مطلب مورد نیاز خود را جستجو می‌کند. در تدوین سر عنوان‌های موضوعی فارسی مبانی و ضوابطی وجود دارد که یکی از آنها عبارت است از اینکه سر عنوان‌های موضوعی باید از میان متداول‌ترین و عام‌ترین واژه‌ها انتخاب شود و دیگری عبارت است از اینکه ضمن استفاده از کاربرد فلسفه، فرم و شیوهٔ سر عنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره، از هر گونه ترجمهٔ محض خودداری شود. با در نظر داشتن این مبانی اگر بخواهیم به‌کتابی دربارهٔ تورات از سر عنوان‌های موضوعی فارسی موضوع بدهیم هنگامی که به کتاب "سر عنوان‌های موضوعی فارسی "مراجعه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که ما را به "به کتاب مقدس عهد عتیق "ارجاع داده است؛ مشابه و در واقع مساوی با آنچه‌که در سر عنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره آمریکا داریم یعنی "Bible. Old Testament" به معنی کتاب مقدس. عهد عتیق. سئوال این است که با توجه به اینکه که در تهیهٔ این سر عنوان از ترجمهٔ محض سر عنوان کتابخانه کنگره استفاده شده است با توجه به مبانی دوم در پاراگراف قبل، آیا در این مورد و موارد مشابه درست عمل شده است؟ آیا "کتاب مقدس. عهد عتیق "طبق قاعده اولی در بالا متداول‌ترین و عام‌ترین واژه یعنی از "تورات "متداول‌تر و عام‌تر است؟

منظور از متداول‌ترین و عام‌ترین، متداول‌ترین و عام‌ترین واژه نزد اهل فن است. بر اساس تحقیق و پرس‌وجویی در این باره مشاهده کردم که اهل فن)تنی چند از استادان گروه معارف دانشگاه شهید چمران اهواز (در این مورد نیز برای تورات، واژه "تورات "را به‌کار می‌برند. آنها اظهار داشتند که کتاب مقدس هم شامل تورات می‌شود و هم شامل انجیل. ما کتابداران که می خواهیم کاربر را مستقیماً به‌کتاب تورات برسانیم و وقت او را هدر ندهیم طبیعتاً باید از واژه "تورات "استفاده‌کنیم. پس گمانی دیگر باقی می‌ماند و آن اینکه در این مورد از ترجمه محض سر عنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره استفاده شده است که این نیز اشتباه به شمار می‌آید.

منابع:

۱ - سلطانی، پوری و فروردین راستین. سر عنوان‌های موضوعی فارسی -ویراست ۳ -تهران :کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، .۱۳۸۱

2- library of congress. subject headings . washington : Library of congress, 1992

۱- دانشجوی کارشناسی کتابداری شهید چمران اهواز

۳ .در صفحه ۳۹که ابتکار بسیار جالبی به خرج داده شده است و بر خی از مقالات کتابداران ایرانی که در همایش های علمی خارج ازکشور پذیرفته شده‌اند، ارائه شده است باز در مقاله سوم، نام "عبدالحسین خسروی "ذکر شده است که نام صحیح ایشان "عبدالرسول خسروی "است. در ضمن نام یکی از نویسندگان یعنی آقای "دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی "به‌کلی حذف شده است. البته این به نفع ایشان است. چون ممکن بود اسم ایشان نیز به سرنوشت دیگر اسامی دچار شده و مثلاً "دکتر شریف رضایی سعیدآبادی "ذکر شود.

۴ .در صفحه ۲۱، سطر اول پاراگراف سوم از آقای "محمدکاظم حافظیان "نام برده شده است که نام صحیح ایشان "سیدکاظم حافظیان رضوی "است.

یادم می‌آید در اوائل انتشار روزنامه شرق، اشتباهات زیادی در صفحات مختلف آن به چشم می‌خورد. رندی در یکی از ستون‌های نظرات خوانندگان نوشته بود" :ما واقعاً از روزنامه شرق تشکر می‌کنیم که نویسنده جدیدی با نام «خورخه لوئیس پورحسن» را به ما معرفی کرده است. و منظور او «خورخه لوئیس بورخس» بود که در این روزنامه به اشتباه درج شده بود.

این چهار مورد از زاویه دید کتابدارانه نیز قابل تامل است. و آن از زاویه مستندسازی نام‌ها در فهرست‌نویسی و رده بندی است که تا مسجل نشود که در سجل یک نفر چه نوشته شده است محال است نام او در برگه فهرست نویسی درج شود. بدبینان می پرسند، مگر خبرنامه اسم چند نفر را درج می‌کند که آنهایی هم که به این افتخار نائل می‌شوند با نام و نشانی دیگری تبلیغ شوند؟

۵ .درصفحهٔ ۲۶مطلبی ترجمه شده با عنوان "نگرش انسان دوستانه "ارائه شده است که هرچه گشتیم ببینیم اصل این مطلب اصیل است و از کجا گرفته شده و آیا در خور شان ما برای مطالعه است ره به جایی نبردیم. اگر اطلاعات کامل‌تر و نشانی مطلب اصلی برای ترجمه‌ها ذکر شود کمی خوب‌تر خواهد بود.

۶ .باز در صفحه ۳۹که عنوان مقالات پذیرفته شده در همایش های خارجی ارائه شده است، ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی بیشتر (تا حد ممکن و حتی با درخواست از نویسندگان مقالات)، کمی خوب‌تر بود.

و اما نکته آخر

نکته‌ای است که بسیار مهم است و در نقدهایی که نسبت به انجمن صورت گرفته به آن اشاره‌های زیادی شده است. جلسه‌های هیات مدیره محترم انجمن، بدون شک محور تمامی فعالیت‌های انجمن است. نیازی به توضیح نیست که همه آنچه در انجمن اتفاق می‌افتد و باید بیافتد اول در این جلسات مطرح می‌شود و بعد ادامه پیدا می‌کند

اعضای محترم انجمن هم که هر چند سال یکبار بسته به تعهد اخلاقی و حرفه‌ای خود حق عضویت پرداخت می‌کنند و هر سه سال یکبار هم افرادی را به عنوان نماینده خود انتخاب می‌کنند، حق دارند بدانند این نمایندگان چه می‌کنند. اگر چه از همان ابتدای شکل‌گیری انجمن همیشه و در همه جا مطرح شد که درهای انجمن به روی همه باز است و هر علاقه‌مندی در هر زمان که تمایل داشته باشد می‌تواند در جلسات هیات مدیره انجمن شرکت داشته باشد. اما حجب و حیای کتابدارانه و ایضاً مشغله فراوان درخصوص رتق و فتق امور کاربران و مراجعه‌کنندگان تاکنون این سعادت را از جلسات هیات مدیره انجمن دریغ داشته که میهمانان عزیز کتابدار را میزبانی کند. اما چشم همه کتابداران و علاقه‌مندان به امور انجمن به راه این است که بدانند منتخبینی که در جلسات هیات مدیره انجمن حضور پیدا می‌کنند، به چه می‌اندیشند و نگاهشان به‌کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران چگونه است؟ آیا دغدغه‌های آنان با دغدغه‌های کتابداران یکی است؟ آیا جلسات هیات مدیره انجمن براساس برنامه‌های منسجم برای پرداختن به مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران پیش می‌رود؟ و بسیار سئوال های دیگر.

اما متاسفانه هم در این شماره و هم در شماره‌های گذشته همیشه سهم اندکی از خبرنامه به مباحث مطرح شده در هیات مدیره اختصاص می‌یابد که نزدیک به نیمی از فضای اختصاص‌یافته نیز به ارائه اسامی شرکت‌کنندگان و اطلاعات جلسات تعلق دارد. در صورتی که جا دارد مباحث مطرح شده در جلسات هیات مدیره انجمن که بعضاً بسیار هم تخصصی و در عین حال جذاب برای کتابداران است با تفصیل بیشتر ارائه شوند. با این کار هم اعضا و علاقه‌مندان محترم از اوضاع انجمن مطلع می‌شوند و احساس تعلق و مشارکت بیشتری می‌کنند و هم بسیاری از اعتراض‌ها و گلایه‌ها از انجمن، که از اول تا به امروز به دلیل فقدان اطلاع از تصمیم‌ها و برنامه‌های انجمن گریبان‌گیر انجمن بوده است، پایان می‌یابد.

به قول سردبیر محترم، این خبرنامه قبل از هر چیز باید حاوی خبرهای انجمن باشد و در مرحله بعد یک نشریه برای درج مقالات تخصصی. پس چه خبرهایی مهم‌تر از خبرهای هیات مدیره انجمن برای درج در خبرنامه!

مهم‌ترین آثار استوری عبارتند از
۱: یادداشت‌هایی در قاموس‌نویسی،
۲: فهرست نسخه خطی عربی در کتابخانه دیوان هند، ۳: فهرستنامه نظامی،
۴: ادبیات فارسی شامل فهرست بسیاری از کتاب‌های فارسی همراه با زندگینامه موجز و سودمندی از نویسندگان آنها

است در ۱۹۹۰ چاپ شد. مجلد چهارم نیز هنوز انتشار نیافته است. آماده‌سازی مجلد پنجم مربوط به شعر بوده که قرار است در پنج بخش منتشر شود و بر عهدهٔ فرانسوا دو بلوا گذاشته است. از این اثرِ استوری ترجمه‌هایی نیز صورت گرفته است. برگل مجلداتی از آن را که قبل از ۱۹۷۲ منتشر شده بود، به روسی ترجمه کرد و در سه جلد در همان سال در مسکو به چاپ رساند و پاره‌ای از کاستی‌های کتاب را نیز برطرف کرد. ترجمهٔ فارسی کار برگل با عنوان مقدمه بر ادبیات فارسی استوری توسط یحیی آرین پور و دیگران در تهران منتشر شد. تقی بینش نیز بخش اندکی از اثر استوری را ترجمه کرده و در شمارهٔ اول مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد سال ۱۳۴۶ش. به چاپ رسانده است.

محسن حاجی زین‌العابدینی

آن چشمه جوشان صفا رفت

یادی از استاد محمد علی خاکساری

کمتر کسی را می‌توان یافت که در مشهد باشد و گوشه‌نظری به کتاب و کتابداری داشته باشد و جناب خاکساری را نشناسد. مردی که در نهایت صفا، مهربانی و عشق، برای همه و در همه حال پشتوانه‌ای بود. با وجود و حضور او همیشه آدم بهانه‌ای داشت که به کتابخانه مرکزی برود. اصلاً بهانه لازم نبود، تا از دور آدم را می‌دید، محبتش جوشش می‌کرد و تو بودی و یک دنیا حرف شیرین شنیدن و دقایقی که بی آنکه قدرشان را بدانی به سرعت می‌گذشتند. موجی از مهر و صمیمیتی بی‌غش شما را فرا می‌گرفت و کلمات و جملات، ناخودآگاه ضرب‌آهنگی به مهر می‌گرفتند. و فرق نمی‌کرد که الان دانشجوی او بودی یا ده سال پیش.

او آن چنان برای همه ارزش قائل بود که یاد و اعمال مثبت و شیرین هیچ کس از خاطرش نمی‌رفت به طوری که همه را حتی به اسم کوچک می‌شناخت. یادم هست چهار سال از زمان فارغ‌التحصیلی ما از دانشگاه گذشته بود و بعد از این چهار سال، با یکی از دوستان، برای اولین بار دوباره به دانشگاه و برای دیدار استادان و دوستان رفتیم. یکی از جاهایی هم که همیشه برای ما مقدس و مظهر یادگیری بود و به یمن وجود استاد، همیشه پذیرا، همین کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی بود. برایمان بسیار جالب بود که بعد از این سالها، وقتی استاد خاکساری عزیز با گشاده‌رویی همیشگی به استقبالمان آمد و بسیاری از جزئیاتی از آن دوران را که ما از خاطر برده بودیم به خاطر می‌آورد. جالب‌تر اینکه اشاره کرد به کتابی که من در آن سالها فهرستنویسی کرده بودم و موضوعی که من برای آن انتخاب کرده بودم و ایشان موضوعی دیگر را که با همه جزئیات در خاطرشان بود، برای آن مناسب‌تر دیده و پیشنهاده کرده بودند. جالب‌تر اینکه از احوال بسیاری از

برگرفته از دائره المعارف کتابداری

مجیدالدین کیوانی
تلخیص میترا صمیعی

چارلز امبروز استوری

استوری شرق‌شناس انگلیسی، استاد زبان و ادبیات عربی، ایران‌شناس، و از بزرگ‌ترین کتابشناسان فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی است.

وی در سال ۱۸۸۸، در شهر بلک هیل ناحیهٔ دارهام در شمال انگلستان متولد شد و تحصیلات دانشگاهی خود را در حوزهٔ زبان‌های شرقی، یونانی، و لاتینی در کمبریج به پایان رساند و سپس در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. استوری شاگرد رینولد الین نیکلسون، استاد زبان عربی دانشگاه کمبریج، بود که در سال ۱۹۳۳به جانشینی وی برگزیده شد. در ۱۹۱۴به استادی زبان عربی درکالج اسلامی انگلو -اُرینتال (دانشگاه علیگرهٔ کنونی) هند برگزیده شد و در ۱۹۱۹به عنوان کمک کتابدار دیوان هند لندن انتخاب گردید و چند سال بعد به مقام کتابداری آن اداره ارتقاء یافت. استوری عضو انجمن سلطنتی آسیایی بود و انبوه یادداشت‌ها و کتابخانهٔ نفیس خود را به این انجمن واگذار کرد.

استوری تا واپسین روزهای عمر به پژوهش ادامه داد و سرانجام در سال ۱۹۶۷در شهر کوچک هو، واقع در جنوب انگلستان در ساحل دریایی مانش، درگذشت.

از استوری آثار فراوانی در تصحیح متون، کتابشناسی و نیز شماری مقاله بر جای مانده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از)

۱: یادداشت‌هایی در قاموس نویسی به افتخار ادوارد براون؛

۲: فهرست نسخ خطی عربی درکتابخانهٔ دیوان هند در دو جلد؛

۳: فهرستنامهٔ نظامی، مقاله‌ای به فارسی دربارهٔ فهرست نسخه‌های خطی و چاپی کتاب‌های نظامی و آثاری که دربارهٔ او نوشته شده است؛ ۴:ادبیات فارسی، شامل فهرست بسیاری از کتاب‌های فارسی همراه با زندگینامهٔ موجز و سودمندی از نویسندگان آنها. استوری در نگارش این کتاب بر آن بوده است که اثری چون تاریخ آثار عربی بروکلمان را گرد آورد. اما استوری، بر خلاف بروکلمان، ترتیب زمانی و مکانی را مبنای طبقه‌بندی کتاب‌ها قرار نداده، بلکه مطالب را به ترتیب موضوعی تنظیم کرده است. البته پیری و ضعف مزاج مانع از آن شدکه استوری همهٔ یادداشت‌های خود را در زمان حیات خویش به چاپ برساند و در زمان وی تنها جلد اول مجموعهٔ ادبیات فارسی در دو بخش انتشار یافت، اما پس از چاپ چهار جزوه از مجلد اول، دریافت که حجم آن بیش از حد معمول خواهد شد؛ از این رو، آخرین جزوه را با عنوان بخش ۲در مجلدی جداگانه منتشر ساخت. چهار جزوهٔ اول شامل آثار قرآنی، تاریخ، و سرگذشتنامه‌ها در یک مجلد در ۱۹۲۷و جزوهٔ پنجم با عنوان بخش ۲شامل ادامهٔ سرگذشتنامه‌ها، افزوده‌ها، ویرایش‌ها، و فهرست‌های گوناگون جزوه‌های پنجگانه، در مجلدی دیگر در ۱۹۵۸انتشار یافت. بقیهٔ یادداشت‌های مرتب شدهٔ استوری که به انجمن سلطنتی آسیایی داده شده بود، چندین سال پس از مرگ وی بررسی و آمادهٔ چاپ شد. بخش ۲از مجلد دوم شامل معرفی کتاب های پزشکی و بخش ۱از همین مجلد شامل ریاضیات، اوزان و مقادیر، ستاره‌شناسی، علم احکام، نجوم، و جغرافیا در ۱۹۷۲به چاپ رسید. بخش ۳از مجلد دوم در معرفی دایره‌المعارف ها، هنر، صنایع و علوم، و علوم خفیه در ۱۹۷۷منتشر شد. چندی بعد در ۱۹۸۴شمار دیگری از یادداشت های استوری، با عنوان بخش ۱از مجلد سوم، مشتمل بر معرفی فرهنگ‌ها، کتاب های دستوری زبان، عروض، و علم شعر انتشار یافت. بخش ۲از این مجلد شامل وصف کتاب های علم بلاغت، چیستان ها، مادهٔ تاریخ ها، و کتاب هایی که به نثر مصنوع نوشته شده

طرح امانت بین کتابخانه‌ای کتابخانه‌های اصفهان

احمد شعبانی

این طرح از تاریخ ۸۵/۳/۱فعالیت خود را با شرکت کتابخانه‌های مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، صنعتی مالک اشتر و با مشارکت و همکاری کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان آغاز نموده است از سوی دانشگاه اصفهان دکتر محمد حسین رامشت ریاست دانشگاه صورت تفاهم‌نامه را به امضا رسانیده‌اند.

این طرح برای همکاری متقابل و اشتراک منابع اطلاعاتی بین کتابخانه‌های عضو بوده و هر کتابخانه منابع خود را با توجه به سیاست‌ها و محدویت‌های خود به اشتراک می‌گذارد. بر اساس تصمیم شورای عالی سیاستگذاری، ریاست طرح با رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان می‌باشد. برای اجرا هر کتابخانه دو نفر را به عنوان رابط و جانشین رابط معرفی نموده که مسئولیت تکمیل فرم‌ها و پی‌گیری درخواست‌های مراجعین را به عهده دارند.

نحوه اجرا و پی‌گیری درخواست‌ها

افراد واجد شرایط استفاده از این طرح با توجه به سیاست‌های هر کتابخانه تعیین خواهند شد که این افراد در دانشگاه اصفهان عبارتند از :اعضای هیأت علمی، کارمندان و دانشجویان کلیه مقاطع دانشگاه اصفهان، برای ارائه درخواست این افراد می‌توانند با مراجعه به سایت کتابخانه‌های مزبور و جستجو در نرم‌افزار کتابخانه مدارک درخواستی خود را انتخاب و با مراجعه به رابط مربوط (مهدخت السادات طاوسی)و با جانشین وی (زهرا منتظر القائم)در بخش امانت کتابخانه مرکزی در مرکز اسناد دانشگاه اطلاعات کامل مدرک خود را بر روی فرم‌های مخصوص نوشته و به آنها تحویل دهند و یا به آدرس پست الکترونیکی آنها ارسال دارند.

آدرس این افراد عبارت است از:

Mahtavoose 2000 @ yahoo. com

Z3978 @ yahoo.com

لازم به ذکر است متقاضی می‌تواند در روزهای زوج بعد از تحویل درخواست برای دریافت مدرک خود به رابط و یا جانشین ایشان مراجعه کند. اگر کتاب درخواستی به هر دلیلی قابل امانت نباشد باید توضیح قابل قبولی بر روی برگه درخواست از سوی کتابدار مربوط ارائه شود ضمناً جزئیات امانت به قرار ذیل است:

الف)مدت امانت کتاب و سایر مدارک ده روز و فقط یکبار قابل تمدید است.

ب)هزینه زیراکس مقالات به عهده متقاضی مدرک است.

آدرس و منابع کتابخانه‌های عضو طرح امانت بین کتابخانه‌ای:

۱.کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه صنعتی اصفهان www. lib. iut. ac. Ir کتاب‌های فارسی و لاتین، مجلات فارسی و لاتین، پایان‌نامه‌های فارسی، مقالات لاتین و کتاب‌های لاتین الکترونیکی.

پایگاه‌های اطلاعاتی شامل:

Science direct (متن کامل)

(چکیده مقاله)

دوستان و دانشجویان همدوره‌ای ما و دوره‌های دیگر، بیشتر از ما اطلاع داشت. و این نشانگر روح بلند انسانی این مرد شریف بود.

از ویژگی‌های دیگر ایشان، شخصیت علمی ایشان بود. ایشان دارای مدرک کارشناسی در رشته حکمت و فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بود. همچنین دوره سه ساله مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی و تحصیلات حوزوی شامل دوره مقدمات، سطوح عالیه، خارج فقه و اصول در حوزه علمیه مشهد را گذرانده بود و به جرات می‌توان گفت از بسیاری از استادان اطلاعات بهتر و جامع‌تری داشت. به زبان عربی تسلط داشت وکتاب مهم «تاریخ کتاب :ازکهن‌ترین دوران تا عصر حاضر» را از زبان عربی به فارسی ترجمه و منتشر کرد.

در زمینه کتابداری نیز، با آنکه آموزش‌های دانشگاهی ندیده بود ولی از دانش ارزشمندی برخوردار بود. سابقه آشنایی ایشان باکتابداری به دوران دانشجویی باز می‌گشت که به مدت ۶سال (۴۹-۱۳۴۳)بنا بر علاقه‌ای که به این حوزه داشتند، کتابدار کتابخانه دانشکده الهیات بودند. همچنین دوره‌کتابداری (رده‌بندی کنگره)را در سال ۱۳۴۸گذرانده بودند و پس از فارغ‌التحصیلی و از ابتدای تأسیس کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی در این کتابخانه مشغول به‌کار بودند. کار ایشان نیز از دیگران متمایز بود. هیچ‌گاه نه خودشان و نه اطرافیان احساس نمی‌کردند که کارمند هستند و موظف به انجام کاری. بلکه کار کتابخانه برای ایشان عشقی بود پایان‌ناپذیر.

به حق ایشان یکی از استادان طراز اول فهرستنویسی منابع، به خصوص منابع اسلامی و عربی بودند. ایشان هم به موضوعات اسلامی و عربی وارد و مسلط بود و هم فهرستنویسی آنها را با دقت و مهارت کافی و به سبک خودش انجام می‌داد. کافی بود عنوان کتابی را به ایشان بگویند و موضوع‌ها، شماره‌های رده‌بندی دیویی و کنگره آن را برای شما باز گوید.

از جمله فعالیت‌های پرارزش دیگر ایشان، عضویت در هیأت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی شاخه خراسان بود که در مدت عمر پر بارش از هیچ کوششی در راه اعتلای کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور و به خصوص خطه خراسان دریغ نکرد.

همه آنانی که تا قبل از ورود رایانه به کتابخانه‌ها به کار فهرستنویسی و رده‌بندی اشتغال داشته‌اند، "فهرستگان (یا در هم‌کرد)کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد "را به خاطر دارند. زیرا فهرستنویسی و رده‌بندی در آن زمان تا حدود زیادی به پشتوانه همین منبع صورت می‌گرفت و چه بسیار کتابخانه‌هایی که با استعانت از این منابع سازماندهی و راه‌اندازی شدند. همیشه یک پای ثابت و پی‌گیر چاپ و انتشار این کتاب‌ها که واقعاً حاصل تلاش و کارنامه فعالیت کارکنان دلسوز کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی، در طول سال‌های فعالیت آن به شمار می‌آیند، استاد بود. همه آنهایی که زیر نظر ایشان کارورزی را گذرانده‌اند، شاهد بودند که علی‌رغم مشغله فراوان با چه وسواس و عشقی به آماده‌سازی و اصلاح این منابع می‌پرداخت.

سیل افسوس و اندوه در رثای استاد و پیام‌های تسلیتی که همه حکایت از بزرگی مردی بزرگ داشتند خود گویای این حقیقت تلخ و باورناپذیر بود که **"آن چشمه جوشان صفا رفت."**

همایش مبانی حرفه ای کتابداری

نخستین همایش دانشجویی کتابداری و اطلاع‌رسانی را دانشگاه شهید بهشتی با عنوان "مبانی حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران" در آذر ماه سال ۱۳۸۵ برگزار می‌شود.
علاقه‌مندان به شرکت در این همایش در این همایش که با همت دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده پیراپزشکی با این هدف و امید که در بالندگی حرفه کتابداری نقش داشته باشند انجام می‌شود می‌توانند برای ثبت‌نام و ارسال خلاصه مقالات تا ۲۰ مهر ماه ۸۵ اقدام کنند. لازم به یادآوری‌ست که موضوعات مورد نظری که علاقه‌مندان می‌توانند در آن‌باره به تالیف بپردازند عبارت است از:

ـ حرفه کتابداری: گذشته، حال، آینده
ـ فن، هنر و علم کتابداری و اطلاع‌رسانی
ـ انجمن های کتابداری و اطلاع‌رسانی
ـ آگاهی های اجتماعی کتابداران
ـ کتابداران و مدیران غیرکتابدار
ـ ارزشیابی کار کتابداران و اطلاع‌رسانان
ـ انگیزش‌ها و علایق دانشجویان امروز و کتابداران فردا
ـ کتابداران و اطلاع‌رسانان تجربی
ـ فناوری اطلاعات و حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی

برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانید با آدرس زیر مکاتبه کنید.
Sima@aryanline.com

◆ علاقه‌مندان به کار نمایه‌سازی

برای انجام یک پروژه پیرامون اسناد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی با سابقه کار مفید در حوزه نمایه‌سازی دعوت به همکاری می‌شود. زمان تقریبی این پروژه از نیمه مرداد تا نیمه اسفند ۸۵ است. علاقه‌مندان می‌توانند مختصری از سوابق کاری و درخواست خود را به آدرس Srezaei@Alzahra.ac.ir (ایمیل دکتر سعیدرضایی شریف‌آبادی) ارسال کنند.

دعوت به همکاری

گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا(س) برای دروس زیر به صورت حق‌التدریس برای نیم‌سال اول ۸۶-۱۳۸۵ دعوت به همکاری می‌نماید:

۱. واژه‌پردازی ۱ (لاتین) با تسلط کامل به Word for Windows
۲. واژه‌پردازی ۲ (فارسی) با تسلط کامل به Word for Windows
۳. سازماندهی ۴ (رده‌بندی کنگره)

evillage (compendex)
(چکیده مقاله)
ISI (Web of science) چکیده مقاله)
۲-سایت کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز (چکیده و بعضاً متن کامل)
لوح فشرده نمایه (متن کامل)
irandoc (| (چکیده)
۳-کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
www. Mui. ac. ir
-کتاب‌های فارسی و لاتین، مجلات‌فارسی و لاتین، پایان نامه‌های فارسی و لاتین.

بانک‌های اطلاعاتی شامل:
Blackwell, Ovid, Proquest
جستجو در وب سایت فارسی : در قسمت کتابخانه و منابع اطلاعاتی گزینه کتاب ها و نشریات دانشگاه را انتخاب کرده و با log in وارد محیط جستجو شوید.
۴-کتابخانه دانشگاه صنعتی مالک اشتر اصفهان
www. Lib. mut - es. ac. ir
-کتاب‌های فارسی و لاتین، مقاله‌های فارسی و لاتین وکتاب‌های الکترونیک. قابل ذکر است که منابع کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان فعلاً بر روی Web قرار دارد.

کوتاه و گویا

اخبار جلسات هیات مدیره انجمن

جلسه ۷۰، ۲۹ **شهریور ماه هشتاد و پنج**
مکان : **دفتر معاونت کتابخانه ملی**
حاضران : **سیدکاظم حافظیان‌رضوی، محمود شمسبد، محسن حاجی‌زین‌العابدینی، داریوش علیمحمدی، رضا کیانی، فریبرز خسروی، سیمین نیازی، سیدجلال حیدری‌نژاد، امیررضا اصنافی، لیلاسودبخش و اعظم عباسی.**
موضوعات اساسی مطرح شده در جلسه توسط دکتر فریبرز خسروی:
الف) انتخابات اسفند ماه انجمن
ب) **عضویت در سایر انجمن‌های کتابداری دنیا**
پ) **تشکیل شاخه‌های استانی و هم‌چنین فعال کردن شاخه‌های استانی موجود**

-توجه به انتخابات آینده انجمن و لزوم اطلاع‌رسانی مناسب و برانگیختن افراد برای مشارکت و نامزد شدن در انتخابات از طرف فریبرز خسروی مطرح شد.
-اظهار این مطلب که فقط اعضای پیوسته حق رای در انتخابات دارند و آنانی که مایل به رای دادن و یا نامزد شدن برای عضویت در هیات مدیره آینده انجمن هستند می‌بایست از عضو وابسته به عضو پیوسته تغییر شرایط بدهند، توسط ابراهیم عمرانی مطرح شد.
-سیدکاظم حافظیان‌رضوی تذکر داد که استادان کتابداری باید دانشجویان را نسبت به شرکت و فعالیت در انجمن ترغیب کنند.
-طرح عضویت انجمن در انجمن‌های سایر کشورها توسط فریبرز خسروی مطرح شد و داریوش علیمحمدی ازکشورهای فارسی زبان که در همسایگی ما قرار دارند یادکردند و این نکته را تذکر دادند که به دلیل هم‌زبانی می‌توانیم تاثیر و نفوذ بیشتری داشته باشیم.
-شاخه‌های انجمن در استان‌هایی که هنوز انجمن در آنجا پایگاهی ندارد و به این طریق که هر یک از اعضاء هیات مدیره مسئولیت راه‌اندازی یک استان را بر عهده بگیرد. به این ترتیب قرار شد که رضاکیانی در استان مرکزی، ابراهیم عمرانی در کرمان، سیدکاظم حافظیان‌رضوی در تبریز، داریوش علیمحمدی (یکی از استان‌های گرگان، زنجان یا قزوین)، سیمین نیازی در سیستان و بلوچستان، محمود شمسبد در گیلان و محسن زین‌العابدینی در همدان مسئولیت راه‌اندازی شاخه‌های انجمن را بر عهده بگیرند.
-برگزاری کلاس‌هایی برای علاقه‌مندان نسخ خطی توسط محمود شمسبد مطرح شد. -درخواست محمود شمسبد از کمیته‌های دیگر انجمن برای ارائه موضوعاتی که می‌تواند در کمیته آموزش استفاده شود و هم‌چنین معرفی افرادی که در زمینه‌های گوناگون صلاحیت تدریس دارند.
-خواندن ۳نامه از دانشگاه شیراز، سازمان پژوهش‌های صنعتی ایران و دکتر ابراهیم افشارزنجانی از شاخه اصفهان و بحث و گفتگو و تصمیم‌گیری دربارهٔ آنها.

نمایشگاه کتاب پیامبراعظم (صلی‌اله علیه و آله و سلم)

به منظور ارج نهادن و نهادینه کردن سیره پیامبراعظم(ص) در سال پیامبر گرامی اسلام از اول ماه شعبان نمایشگاه کتاب با موضوع پیامبر گرامی اسلام در سالن نمایشگاه‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی بر پا شده و تا پایان ماه مبارک رمضان نیز ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه تعداد ۲۰۰ جلد کتاب شامل ۶۰ عنوان کتاب انگلیسی و ۱۴۰ عنوان کتاب فارسی در مورد پیامبر عظیم‌الشان اسلام ارائه شده است. هر یک از کتاب‌های به نمایش گذاشته شده در قطع A5 معرفی و در قاب مخصوص در کنار کتاب‌ها قرار داده شد تا علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان با نظری کوتاه به کتاب‌ها و معرفی کتاب‌ها به ماهیت آنها پی برده و یا از آنها استفاده کنند.

تعداد ۵۰ عنوان از کتاب‌های منتشره جدید در موضوع پیامبر گرامی صلی‌اله و علیه و آله و سلم در ویترینی به مساحت تقریبی ۲۰ مترمربع با طراحی دکوراسیون مناسب در معرض دید و نمایش مراجعان قرار داده شده و این ویترین نمایشگاهی تا پایان سال ادامه دارد.

در این نمایشگاه، پوسترهایی حاوی حدیث‌های پیامبر بزرگ اسلام در موضوع کتاب و کتابت در قطع بزرگ در پانل‌های نمایشگاهی نصب گردیده است. همه روزه تعداد قابل توجهی از مراجعان و گروه‌های بازدیدکننده شامل: دانشجویان، اساتید دانشگاه و پژوهشگران از این نمایشگاه بازدید به عمل می‌آورند.

این نمایشگاه از ساعت ۸/۰۰ صبح لغایت ۱۸/۳۰ دایر و آماده ارائه اطلاع‌رسانی به گروه‌های بازدیدکننده است.

لازم به ذکر است این نمایشگاه با همکاری گروه برنامه‌های فرهنگی اداره‌کل اطلاع‌رسانی همگانی و روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شده است.

صورت نظامنامهٔ داخلی قرائتخانهٔ مسروپیان

اول قرائتخانه در روزهای جمعه و سه‌شنبه از دو به غروب مانده الی یک ساعت از شب گذشته باز خواهد بود از برای مشترکین و واردین اتفاقی.

دوم در قرائتخانه مباحثات دینی که موجب نزاع باشد و گفتگوی پلیتیکی دولتی داخله و راه رفتن و بلند حرف زدن و قلیان و سیگار و چپق کشیدن به کلی ممنوع است.

سوم هر یک از مشترکین می‌تواند کتابی را که خواسته باشد موقت همراه خود ببرد ولیکن هر دفعه بیشتر از یک جلد بردن جایز نیست و نهایت تا بیست روز آن کتاب را می‌توانند نگاه بدارد.

چهارم اشخاصی که داخل شرکت نیستند اگر طالب بردن کتابی بشوند باید برای هر جلدی ده شاهی هدیه بدهند و تابع حکم فقرهٔ سوم نظامنامه خواهند بود.

پنجم **هر یکی از مشترکین و غیرمشترکین کتابی را** که به امانت برده است و یا یکی از اوراق آن را مفقود سازد باید مضاعف قیمت کتاب را ادا نماید.

ششم مشترکین می‌توانند از روزنامجات برای خواندن به امانت ببرند مشروط بر اینکه دفعه دیگر، روز باز شدن قرائتخانه آن روزنامه را حاضر سازند.

هفتم هر گاه کسی روزنامه‌ای را مفقود سازد باید ده شاهی به صندوق قرائتخانه بدهد.

هشتم این نظامنامه باید در آخر سال باز امتحان بشود.

این نظامنامه به صحهٔ تمام مشترکین رسیده است.»

(فرهنگ، ش ۵۰۵، دوشنبه ۱۰ محرم ۱۳۰۶ق، ص ۳-۱)

از علاقه‌مندانی که دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند و سابقه تدریس سه ترم دروس فوق را برای دانشجویان دوره کارشناسی دارند، دعوت می‌شود تا مختصری از سوابق کاری و درخواست خود را به آدرس Srezaei@Alzahra.ac.ir ارسال نمایند.

کتابدار نمونه چگونه انتخاب می‌شود؟

می‌گویند یکی از مصوبه‌های هیات امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی در شهریور ماه امسال، تصویب آیین‌نامه کتابدار نمونه بود. به نظر می‌رسد شاخص‌های کتابدار نمونه از جمله کدگذاری برای نمره دادن، عملکرد، سابقه، مدارک تحصیلی، میزان علاقه و اشتیاق به کار و ... از جمله مواردی است که برای انتخاب کتابدار نمونه به آنها توجه خواهد شد.

وب‌لاگ گروهی اسناد و مطبوعات

وب‌لاگ گروهی اسناد و مطبوعات به تازگی راه‌اندازی شده است و دست‌اندرکاران این وب‌لاگ از علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کنند. افرادی که به مباحث اسناد و مطبوعات آشنایی و علاقه دارند به این آدرس مراجعه کنند.

http://goldenpapers.blogfa.com

انتصاب یک کتابدار در پست معاونت اسناد کتابخانه ملی

دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی طی حکمی از سوی ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به معاونت اسناد ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.
سعید رضایی‌شریف‌آبادی دارای دکتری کتابداری است و از سال ۶۱ فعالیت خود را در مراکز مختلف آرشیوی آغاز کرده است و هم اکنون نیز رئیس گروه کتابداری دانشگاه الزهرا(س) است.
انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران ضمن عرض تبریک به ایشان و جامعه کتابداران ایران، چشم به راه موفقیت‌های این استاد کتابدار خواهد بود.

آدم‌های بد، تحقیقات خوب!

یکی از چیزهایی که در این ۲ ماه گذشته ناجور چشمگیر بود این بود که یک بحثی مطرح شد میان محمد زره‌ساز و مهرداد یوسفی‌فرد و رکسانا صابری و البته این جناب اسم دکتر مهری پریرخ را هم دیدم. حال قضیه چه بود؟ والله تا آنجا که ما سردر آوردیم، موضوع این بود که آیا این درست است که سایت‌های خارجی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در فرنگ، (که انشاءالله به زمین گرم بخورند) یافته‌ها و نتایج تحقیقات و مطالعات خود را مفت و مجانی و البته "دستی! به سینه‌چاکان و شیفتگان دانش و علم و معرفت(یعنی ما) تقدیم نمی‌کنند؟! به نظرم خانم دکتر پریرخ هم یک تذکری به جوانان داده بود که یعنی "حق دارند و حق کپی‌رایت و زحمت کشیده‌اند و این حرف‌ها ... " (البته این برداشت جناب تازه‌وارد است) بعد هم یک رکسانا خانمی مشهور به صابری که به گمانم از کم‌حوصلگی چیزی کم نگذاشته‌اند و زبان نامه الکترونیکی ایشان ناجور عصبی‌ست خطاب به استاد پریرخ می‌نویسد که:

"... آیا شما راه بهتری برای دسترسی به این پایگاه‌ها دارید؟ آیا واقعاً دانشگاه‌های ما می‌توانند هزینه‌هایی بالغ بر ملیاردها تومان برای فقط یک پایگاه مثل **Science Direct** پرداخت کنند؟ در همین پایگاه در حدود ۱۸۰۰ مجله وجود دارد و هر مجله‌ای صدها مقاله و هر مقاله‌ای هم حدود ۳۰ دلار، آیا واقعاً خرید حداقلی این مجلات چقدر امکان‌پذیر است؟ ماه‌ها دنبال یک مقاله بودم و از یکی از اساتید معروف کتابداری هم درخواست کردم که اگر می‌توانند فلان مقاله را برای من پیدا کنند ولی متاسفانه به هیچ نتیجه‌ای نرسیدم. به نظر شما من برای دریافت مقالاتم می‌بایست چه کار کنم؟

.... اگر شما راه‌حل بهتری برای دستیابی ایرانی‌ها به مقالات خارجی دارید لطفاً آن را ارائه نمایید. متاسفانه بیشتر انتقاداتی که از طرف افراد مطرح می‌شود بازمی‌گردد به استادانی که کهنه کار هستند و در آمریکا و یا خارج از کشور درس خوانده‌اند و احتمالاً دارای دسترسی قانونی به این پایگاه‌ها می‌باشند. در آخر این نکته را هم اضافه کنم که خیلی از استادان کتابداری به دلیل ماهیت این رشته و این که می‌بایست به قانون کپی‌رایت احترام بگذارند بسیار از آن به خوبی یاد می‌کنند ولی در عمل یکی از مشتری‌های پر و پا قرص این وبلاگ هستند. شاید شما فکر کنید که تمام این‌ها توجیه است و یا عذر بدتر از گناه. اگر چنین است از شما و یا دیگر اعضای این انجمن می‌خواهم که راه‌حلی ارائه نمایند."

این از حرف‌های رکسانا خانم صابری، ولی در ادامه محمد آقا زره‌ساز که خداییش هم زره به تن دارد وارد گروه بحث شده است به این قرار فرمایش کرده‌اند که:

خانم صابری سلام

"البته بدون شک منظور استاد بزرگوارم خانم دکتر پریرخ رعایت حق مولف و حقوق مادی ومعنوی این پایگاه‌هاست و فکر و نیت ایشان پسندیده و مورد تایید همه است.... همان‌گونه که شما ذکر کردید بنده هم در دوره دانشجویی آرزو داشتم مقاله‌ای را که در فلان مجله معتبر در حوزه تعامل انسان با رایانه به چاپ رسیده بود ببینم و دانشگاه با تمام تلاش‌هایی که کتابداران آن کرده بودند نتوانسته بود و مستطیع نبود که آن پایگاه مورد نظر را تهیه کند. مغزهای ایرانی در خدمت خارجی‌هاست و آثار آنها (از جمله مقالات انگلیسی زبان مولفان ایرانی) را نمی‌توان حتی مشاهده کرد. ... من به عنوان یکی از دانشجویان کتابداری که در زمینه اپن اکسس مطالعات اندکی داشته‌ام معتقدم که در میان خود روشنفکران غربی هم حالت اعتراض به قید و بند کردن علم در چارچوب مادیات و قدرت‌طلبی وجود دارد و گاه خیلی پررنگ است. ..."

تا اینجای قضیه بر جناب تازه‌وارد مبرهن شد که رکسانا صابری و محمد زره‌ساز چه بخواهند و چه نخواهند در یک تیم توپ می‌زنند، بعد هم یک مرتبه دیدیم که آقایی به نام مهرداد یوسفی‌فرد خطاب به تیم مورد نظر نوشته است که:

"... همیشه ساده‌ترین راه اینه که بگیم اون طرفی‌ها

Tazehvared85@yahoo.com

تازه وارد

برای مرتبه دوم است که تازه‌وارد دست به قلم شده تا شما را به خواندن روایتی شخصی (البته نه جدی و نه شوخی) از حکایت‌هایی جمعی که در گروه بحث دانشگاه فردوسی مشهد جاری‌ست دعوت کند. خب البته موضوع و حرف در این گروه زیاد است، تکان می‌خورند ایمیل می‌زنند، حرف سر دلشان گیر کرده باشد ایمیل می‌زنند، گاهی هم عجیب و غریب بحث می‌کنند و بدون این که حرف یکدیگر را بشنوند هر کس حرف خودش را می‌زند، بعضی حتی حرفی هم ندارند ولی بهانه‌ای پیدا می‌کنند و ایمیل می‌زنند، آن هم به این قرار: "تلفن فلانی را دارید؟ و .... "

خلاصه که ناجور شلوغ است این گروه بحث. حال هم فکر نکنید که جناب تازه‌وارد با این‌جور شلوغی‌ها هماهنگ نیست، نخیر! تا باشد از این شلوغی‌ها باشد. خلق‌ا... حرفشان را می‌زنند، اینجا نزنند کجا بزنند؟ کلاً ما که "تازه‌وارد" باشیم طبعمان با این‌جور "شلوغی‌ها" به قول حکما، "تکثر"! ناجور سازگارست و خلوتی، دل و دماغمان را کور می‌کند! حال البته شاید یک حرف‌هایی هم داشته باشیم ولی حکماً نمی‌گوییم، یعنی به این جناب ارتباطاتی ندارد! همین که دوستان و آشنایان از قراء دور و نزدیک میل به ایمیل! دارند و باعث می‌شوند حرف‌ها گفته و شنیده شوند و در این میان ما هم حرف‌های خودمان را بزنیم کلاهمان را به آسمان می‌اندازیم، گر چه شاید ما که "تازه‌وارد" باشیم به حکم نابلدی کمی نپخته بگوییم که سرِ دل بعضی‌ها را بگیرد که البته در آن صورت هم از نبات داغ و گل‌گاوزبان و حکیم و دوا و دعا مضایقه نخواهیم کرد!

قربان خوانندگان والا و بالا

امضا: تازه‌وارد

هستیم، و با عنایت به این که آدم "بد" نمی‌تواند کار "خوب" انجام دهد همان بهتر که اصلاً سراغ آنها نرویم.

۷. با عنایت به این که سایت‌های پولکی خیلی حرف می‌زنند و اهل تحقیق و پژوهش هم نیستند و ما اصلاً حرف نمی‌زنیم و تمام وقت سرمان میان کتاب است و نتایج تحقیقاتمان نیز دنیای علم را سرزیر و سربالا کرده، کلاً چه معنا دارد که بروید سراغ آن آدم‌های بی‌ادب که از آدم پول هم می‌خواهند؟!

۸. از آنجایی که یک تحقیق و یا نوشتن یک مقاله ماه‌ها و گاه سال‌ها طول می‌کشد ولی نتیجه‌اش را در یک یا چند خط می‌شود خلاصه کرد ما به آن نامردها (مسئولین پایگاه‌ها و سایت‌های پولکی) پیشنهاد می‌کنیم که لااقل برای ماسینه‌چاکان علم! همان صفحه آخر که حامل نتیجه تحقیق و پژوهش است را بگذارند و پول همان صفحه را هم بگیرند آخر ما صفحات قبل را می‌خواهیم چه کار؟!.

۹. با توجه به بند بالا و با عنایت به این که آنها سال‌ها تحقیق می‌کنند تا به یک خط نتیجه برسند ولی ما اول به نتیجه می‌رسیم و کلاً تحقیق هم نمی‌کنیم (چون مثل آنها بی‌کار نیستیم!) پیشنهاد می‌شود که به آن بندگان خداساز وکار رسیدن به نتیجه بدون صرف وقت و هزینه و انرژی را آموزش داده تا آنها هم مثل ما شوند و دیگر نه آنها از ما پول بخواهند و نه ما ارث پدرمان را از آنها طلب کنیم!

۱۰. با توجه به بندهای بالا و بندهایی که حالا وقتش نیست که گفته شوند و با عنایت به اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در اوربیتال اتم (اگر کسی بیکار بود بنده در همین رابطه یک سوژه توپ برای تحقیق دارم) هیچ پیشنهاد دیگری ارئه نمی‌شود، تا ببینیم اوضاع به چه قرار است!

شرح مصایب!

یکی دیگر از چیزهایی که چشمان جناب خودمان (تازه‌وارد) را واقعاً خیره کرده بود و اندیشناک به آن تماشا می‌کردیم، چند ایمیلی بود که از اطراف و اکناف ممالک محروسه به گروه بحث رسیده بود. پیرامون چه؟ درباره مسئولیت‌های کتابداران، شرح وظایف آنان، این که چگونه باید باشند، چه مسئولیت‌هایی به گردن دارند و...

همه را خواندیم، "شرح وظایف عمومی"، "شرایط عمومی احراز مسئولیت‌ها"، "شرح وظایف تخصصی"، "شرایط تخصصی احراز مسئولیت‌ها"، و چندین و چند شرط دیگر، یک ایمیل دیگر هم بود درباره مسئولیت‌های این جماعت کتابدار!، "مسئولیت در مقابل دانشگاه"، "مسئولیت در مقابل جامعه"، "مسئولیت در مقابل حرفه"، "مسئولیت در مقابل همکار"، "مسئولیت در مقابل استفاده‌کنندگان" و "مسئولیت در مقابل خود"!

خلاصه آن که حسابی دقیق شدیم در قضیه و چون در "مقابل خودمان احساس مسئولیت"! کردیم حسابی رفتیم توی اتاق فکر (راستش ما اتاق فکر داریم، خب کارمان درست است، در حد پروتکل حرف می‌زنیم. حالا اگر بعداً وقت شد درباره این اتاق فکر برایتان سخنرانی می‌کنم) و بعد از چند لحظه متوجه شدیم که هر چه نابسامانی در این مملکت است به گردن این کتابداران است! این همه پول می‌گیرند! این همه ارج و قرب دارند! این همه می‌گذارند روی سر حلوا حلوایشان می‌کنند! این همه امکانات در اختیارشان می‌گذارند! کلاً نمی‌گذارند آب میان دل مبارکشان Move کند (خوشمان آمد ... کلاً لذت بردیم ... شما هم انشاءا... آب میان دلتان Move نکند) آن وقت ۴ تا مسئولیت و چند تا هم شرط و شروط و شرح وظایف برایش نوشته‌اند نمی‌تواند انجام دهد!!! امان از دست جماعت کتابدار! پناه می‌بریم به مدیران کتابخانه‌ها از دست این جماعت!! واقعاً که! بنده به شدت و البته به‌طور غریبی تاکید و پیشنهاد می‌کنم که موارد زیر را نیز به مسئولیت‌ها و شرح وظایف و شرایط احراز بعضی از موارد برای شرایط جماعت کتابدار که پولشان از پارو بالا می‌رود ولی دست روی دست گذاشته‌اند اضافه شود تا بلکه کمی

ابر قدرتن و حق ما رو خوردن و به همین راحتی همه تقصیرا رو بندازیم گردن اونا - قابل توجه بقیه: نمی‌خوام بحث سیاسی کنم. - دوست دارم ازتون بخوام یه حساب سرانگشتی کنین و محاسبه کنین که برای ذخیره الکترونیکی ۱۸۰۰ مجله، از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری چه مقدار وقت و هزینه باید صرف بشه، محاسبه کنین طراحی پایگاه اطلاعاتی با این حجم اطلاعاتی و راه‌انداختن یک سرور برای استفاده از هم‌چنین پایگاه اطلاعاتی و به روز نگه داشتن اون چقدر هزینه لازم داره. فکر می‌کنین منطقیه که بخوایم همه این زحمات‌رو بدون هزینه از اونا بخوایم... از دوستان عزیزم آقای زره‌ساز و خانم صابری درخواست می‌کنم برای جلوگیری از این تضییع حق، چنانچه در یک کتابخانه یا مرکز اطلاع‌رسانی مشغول به کارشدند و یک پایگاه اطلاعاتی طراحی کردند، اطلاعات اونو به‌طور رایگان در اختیار همه قرار بدن. من خودم تو مشهد که دانشجو بودم بارها شاهد بودم، مسئولین، بخش نامه‌هایی رو صادر می‌کنن که به دانشجوهای دانشکده‌های دیگه حتی اجازه نمی‌دن از پایان‌نامه‌های اون دانشکده در محل کتابخونه استفاده کنن، شما چطور انتظار دارین که هر کشور دیگه، که یه عالمه برای الکترونیکی کردن اطلاعاتش زحمت کشیده، اونا رو به‌طور رایگان در اختیار ما قرار بده.

به عنوان یه ایرانی آرزو می‌کنم این دیدگاه که غربی‌ها همیشه دنبال این هستند که ما عقب بمونیم و حقوق ما رو ضایع می‌کنن، حداقل از جامعه علمی ما برداشته بشه و واقع‌بینانه‌تر به این جور قضایا نگاه بشه. . . صرف این که امکان استفاده از یک مقاله یا مطلب علمی رو نداریم، باعث نمی‌شه مجوز اونو پیدا کنیم که از طرق غیرقانونی به اون دسترسی پیدا کنیم ..."

خلاصه این که اوضاع تقریباً به همین قراری بود که تازه‌وارد خدمتتان عرض کرد ولی حالا برای این که بحث بالا نگیرد اینجانب با کمال میل به درخواست! شما عزیزان پاسخ داده و راه‌حل این مشکل را مطرح می‌کنم به امید این که دوستان با هم رفاقتشان رابه هم نزنند، همین که به حرف ما گوش بدهید به جان خودتان اکتفا می‌کند و کلاً حرف‌های ما مثل آب است به روی آتش. و اما حرف‌های تازه‌وارد:

۱. از آنجایی که بعضی از پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های تحقیقاتی خیلی بی‌ادب! هستند و درخواست پول می‌کنند برای دسترنج خودشان! و بعضی سایت‌های دیگر هم هستند که عمراً کسی سراغشان نمی‌رود و بیکار هستند و سرشان خلوت است، بهتر است به سراغ همان سایت های خلوت برویم که هم پول نمی‌گیرند و هم این که روحیه‌ای هم به بچه مردم بدهیم!

۲. با توجه به این که بعضی از پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های تحقیقاتی چاکر و نوکر ما نیستند که هم تحقیق کنند، هم بنویسند هم در اینترنت قرارش دهند و هم مجانی و ۳دستی! آن را تقدیم ما و شما کنند، پیشنهاد می‌کنم که اول ما چند نوکر و چاکر و کلفت پیدا کنیم، بعد آنها را بفرستیم تا دکتری بگیرند و در کار تحقیق ورزیده شوند و بعد هم ما بزنیم توی سرشان تا برای ما تحقیق کنند!

۳. با عنایت به این که ما این‌قدر پول داریم که نگو و این‌قدر وضع همگی‌مان توپ است که نپرس و با توجه این که می‌توانیم خودمان سایت بزنیم، خودمان تحقیق کنیم و نتایج آن را نیز بی‌اجر مادی در اختیار خلق‌الله بگذاریم و از طرفی با توجه به این که آن طرفی‌ها بدبخت هستند، پول ندارند، محتاج نان شب هستند، و لباس‌هایشان به تن زن و بچه‌شان زار می‌زند و تنها منبع در آمدشان هیمن تحقیقات و ... است، حالا چه می‌شود که چند دلار هم کف دست آن مادر مرده‌ها بگذاریم؟!

۴. از آنجایی که ریشه همه این مصایب و بدبختی‌ها در کار تحقیق و پژوهش است و اگر پژوهشی نبود، نتیجه‌ای هم نبوده و اگر نتیجه هم نبود آن وقت لازم نبود ما دست به جیب شویم و با عنایت به این که محققین و پژوهشگران عاملین اصلی این مصیبت هستند، و با عنایت به همین مسائل است که ما بسیار فکورانه، نه خودمان وارد کارزار تحقیق و پژوهش می‌شویم نه به دوست و رفیق مهلت این کار را می‌دهیم، همان بهتر که با مسئولیت آنها به مذاکره پرداخته و با امضاء پروتکل به آنها حالی کنیم که کارهایی مهم‌تر از تحقیق و پژوهش هم در دنیا وجود دارد و خودشان را خسته نکنند.

۵. با توجه به این که دست‌اندرکاران سایت‌های پولکی! زورکی ما را به سایت‌های خودشان می‌کشانند و به زور می‌خواهند نتایج تحقیقات خودشان را به ما بفروشند، پیشنهاد می‌شود که کلاً وارد دنیای مجازی نشویم که خدای نکرده یقه‌مان رانگیرند و نگویند که: "بیا از ما مقاله و ... بخر!"

۶. با توجه به این که آنها واقعاً "بد" هستند و ما واقعاً "خوب"

یک خبر و بهانه ای برای غربال خبر

ما که تازه وارد باشیم، زیاد سرمان توی حساب نیست، همین‌جور در حال گشت و گذار در گروه بحث بودیم که دیدیم چند ایمیل میان خلایق رد و بدل شده که به شکل غریبی! نافرم است! آنهم درباره ی قضایای مالی در یک مرکز که کارش می‌گویند علمی است! خلاصه آنکه یک نفر که اسمش یادم نیست میل به ایمیل کرد و چیزی گفت، هنوز حرف منعقد نشده، پاسخی و پاسخ هایی رسید و هرکس از آنجا که بود و قضیه را می‌دید قصه را روایت کرد، حالا همه این ها به کنار، بعد یک دفعه دیدیم که چند نفری هم خطاب به رئیس گروه بحث، دکتر فتاحی گفته‌اند که مثلاً شما چرا جلوی این ایمیل ها را نمی‌گیرید و یا آنها را کنترل نمی‌کنید و نباید اینگونه باشد که اینجور شود و اگر اینگونه باشد که آنطور شود، آنگاه جوری می‌شود که با جور ماجور نیست!!!

و خلاصه به دکتر تذکر داده بودند که یک جورایی راهکاری پیدا کند برای اینکه هرکس هرچه گفت فرتی پخش نشود میان خلق‌الله! خلق‌الله هم که ساده‌اند و زبانم لال قدرت تفکر و تحلیل ندارند و حتماً زود از راه به در می‌شوند. راستش حالا من هم زیاد دل و دماغ ندارم که حرف های حضرات را تحلیل مبسوط کنم ولی از آنجا که فکر می‌کنم دوستان هرجور زیر گوش آدم بزنند حتماً خوبی آدم را می‌خواهند! نظرات خودم را در چند بند ارائه کرده تا بلکه مثل همیشه راه‌گشای خلایق باشد!! چه کنیم دیگر، تازه واردیم ولی نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و به جان خودتان همه این ها از سردلسوزی‌ست!!

الف. بنده به شدت با این حرف دوستان موافقم که ایمیل ها تا آنجا که می‌شود باید کنترل شوند و اگر کسی هم در جایی حرف نامربوطی زد و یا کار ناپسندی انجام داد نباید گفته شود، بلکه باید فرصت داد تا آن کار یا حرف به کرات تکرار شود.

زیرا اگر یک کار بد تکرار شود، شاید دیگر اصلاً "بد" نباشد و فکر کنند که حتماً کار خوبی‌ست که تکرار می‌شود!

ب. بنده باز هم با دوستان موافقم که ایمیل ها باید غربال شوند، ریزها یک طرف، درشت ها یک طرف، بالا دستی ها یک طرف، پایین دستی ها یک طرف، رسیده ها یک طرف، نرسیده ها یک طرف و ... ، کلاً ایمیل های درهم خوب

قدرعافیت را بدانند و اما مسئولیت‌ها :

۱. مسئولیت کتابداران در مقابل کسانی که اگر آنها را بکشی چشم به خط نمی‌اندازند چه برسد به خواندن یک صفحه کتاب!!

۲. مسئولیت کتابداران در مقابل افرادی که هنوز فکر می‌کنند کتابخانه یعنی انبار کتاب

۳. مسئولیت کتابداران در مقابل آدم‌هایی که حتی کشان‌کشان هم نمی‌توان آنها را به کتابخانه آورد!

۴. مسئولیت کتابداران در مقابل دانشگاه‌هایی که یک سالن می‌دهند به جناب کتابدار و دلشان می‌خواهد طی یک هفته کتابخانه کنگره از آن بیرون بیاید.

۵. مسئولیت کتابدار در مقابل گرانی مسکن و کرایه ماشین و ترافیک طهران!(پیشنهاد می‌شود همه کتابداران در یک حرکت همه جانبه به سراغ بنگاه‌های مسکن، رانندگان تاکسی و خطی رفته و آنها را توجیه کنند که: "به زن و بچه مردم رحم کنید.")

۶. مسئولیت کتابداران در مقابل همکارانی که ۴ سر عائله دارند و مستاجر هستند و همیشه بدهکارند و هزار بدبختی دارند و حوصله کتاب خواندن هم ندارند(در این‌گونه موارد هیچ مسئولیتی به گردن مدیران محترم نیست، لطفاً وقت این عزیزان را نگیرید) و معمولاً به جای جواب به مراجعه کننده به شیوه‌ای کاملاً محترمانه زیر چشم سؤال طرف را بالا می‌آورند!!

۷. مسئولیت کتابداران در مقابل جوانان و افراد بیکاری که به کتابخانه می‌آیند و سوت می‌زنند و می‌خواهند سرشان گرم شود!

۸. مسئولیت کتابداران در مقابل مراجعه‌کنندگانی که می‌آیند و از وضعیت نور و برگه‌دان‌ها و صندلی‌ها و رایانه‌های خاموش و ... خونشان به جوش می‌آید و قصد می‌کنند که کتابدار مسئولیت ناپذیر! را متوجه مسئولیتش کنند!!!(البته در این‌گونه موارد هم اصلاً سراغ مدیر محترم نروید چون حتماً جلسه دارند)

۹. خسته شدم باباجان، مسئولیت زیاد است، همه‌اش هم به گردن کتابداران است، اصلاً هر درد و مرضی که داریم همین‌ها مقصرند!

شرایط احراز موارد مختلف

شرایط تخصصی احراز صندلی دسته‌دار در حین خدمت!!!

۱. داشتن دست‌های کوتاه

۲. داشتن وزن کم چون شاید به دسته‌های صندلی فشار وارد شود.

۳. بازی نکردن با دسته صندلی

۴. عدم نوشتن یادگاری به روی دسته صندلی از جانب کتابدارانی که ۳۰ سال خاک خورده‌اند و در حال بازنشسته شدن هستند.

۵. عدم تاب خوردن با تکیه به دسته‌های صندلی در مواقع خستگی

۶. آشنایی کافی با زبان خارجی، ترجیحاً زبان سواحلی!

شرایط تخصصی احراز مسئولیت‌های مهم!

۱. مسئولیت پذیری بیش از حد، آن‌قدر که همه از دستش ذله شوند و به او یک مسئولیتی بدهند که اصولاً دیگر مسئولیتی به جز دستور دادن به گردنش نباشد!

۲. دانش و توانایی هماهنگ نمودن خود با دستورات مدیران که البته از نان شب هم واجب‌تر است!

۳. دانش مربوط به سکوت کردن و لبخند زدن در برابر تصمیم های بعضاً نامناسب بالا دستی ها!

۴. مهارت استفاده از عبارت‌های چهار پهلو به نحوی که مدیران محترم، الف: ناراحت نشوند، ب: اصلاً ناراحت نشوند، پ: خوشحال هم بشوند، ج: خیلی خوشحال‌تر بشوند.

به‌طور کلی مسئولیت‌ها و شرایط احراز موارد مختلف (شرح مصایب کتابداران!!) بسیار بیش از این‌هاست که گفته شود ولی تازه‌وارد هم دیگر حالی برایش نمانده است. به جان خودم اشک میان چشممان گرد شد!

"با سلام به همه دوستان و تشکر از حساسیت‌های جناب نادر خان نقشینه به اطلاع می‌رساند.
پیشنهاد دهنده بسیار بسیار محترمی‌که این مراسم را پیشنهاد داده‌اند خود قرار است که پاسخ رسمی مدیریت محترم گروه کتابداری دانشگاه تهران را نیز به کسانی که دوست دارند در این برنامه مشارکت داشته باشند اعلام نمایند. بنابراین از کلیه اعضای محترم گروه خواهشمند است تا دریافت پاسخ مدیریت محترم گروه و اعلام آن در همین گروه بحث از هر گونه پاسخ به نامه جناب نادر نقشینه خودداری نمایند."

۱. **تازه وارد** البته به صورت کلی متعجب است! آخر پدر جان یک عدد جشن ناقابل که همه کتابداران می‌توانند در آن سهیم باشند این همه حرف و حدیث دارد؟

۲. کلا از اینکه می‌بینم دوباره اسم نادر نقشینه و ابراهیم عمرانی در کنار هم قرار گرفته، مشعوف شدم. البته کمی هم مشکوک شدم که نکند این دو سخنگو (جناح‌ها را بعداً شاید نام ببرم) در خفا دست در دست هم دارند و تازه‌وارد را سرکار گذاشته‌اند!!

۳. یعنی شما فکر می‌کنید که در ممالک فرنگ هم اگر خلق‌الله نیت چنین کاری را داشته باشند این همه حرف و گپ پیش می‌آید؟

نمی‌دانم. ولی اگر کسی می‌داند، محض صواب یک میلی به ایمیل بفرمایند که آنجاها چطورست اوضاع و اینجاها چرا اینگونه؟

نیست، یک وقت بچه می‌خورد رودل می‌کند!!

پ. برای بار سوم موافقت خودم را با دوستان متمایل به غربال ایمیل اعلام و تاکید می‌کنم که خلایق از بس گرفتار امور مهم هستند و هزار و یک مشکل دارند و فرصت سرخاراندن و فکر کردن ندارند! شاید این‌جور نامه‌ها اذهان عزیزان را به هم بریزد پس همان بهتر که ما به جای آنان فکر کنیم و ما به خودمان زحمت بدهیم و ما سنگ زیرین آسیاب باشیم!! تا نکند یک وقت فکرشان خراب شود و از کار و زندگی بیفتند!

یک جشن و هزار حرف و هزار غم!

داریوش علی‌محمدی یک ایمیل می‌زند به قرار زیر:

"با سلام
به اطلاع اعضای گرانقدر گروه بحث می‌رساند، مراسم برگزاری گرامیداشت چهل سالگی آموزش رسمی کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه تهران، در دست برنامه‌ریزی است، از کلیه استادان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویانی که یکی از مقاطع تحصیلی خود را در دانشگاه تهران سپری کرده‌اند دعوت می‌شود تا از طریق مکاتبه با نشانی پست‌الکترونیکی بنده آمادگی خود را برای شرکت در این مراسم اعلام نمایند. هم‌نین، کمیته همایش‌های انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران پذیرای ایده‌های ارزشمند سایر عزیزان برای برگزاری هر چه بهتر این برنامه می‌باشد. توضیح اینکه دانشگاه تهران به‌عنوان مبدا آموزش رسمی کتابداری و اطلاع‌رسانی و به طور سمبلیک انتخاب شده است."

نادر نقشینه ایمیل را خوانده و نخوانده اظهار می‌دارد:

"تا جایی که اینجانب اطلاع دارد برگزاری مراسم گرامیداشت تاسیس گروه کتابداری دانشگاه تهران توسط گروه دیگری در دست اجراست. از طرف دیگر یا دانشگاه تهران مبدا آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی هست یا نیست. این فقره واژه انتخاب سمبلیک چه معنایی دارد؟ به هر حال دوستان اگر میل دارند چهلمین سالگرد تاسیس گروه را جشن بگیرند بهتر است این جشن و سرور را با هماهنگی گروه بگیرند."

یک نفر دیگر هم که اسم مبارکش یادم نیست هنوز کلام منعقد نشده پیش‌بینی‌های جالب می‌کنند که:

"اگر کار به گروه دانشگاه تهران واگذار شود با توجه به سرعت عمل و پیشتازی که از این گروه سراغ داریم احتمال می‌رود در ۵۰ سالگی جشن ۴۰ سالگی را بگیرند. در ضمن اگر توسط دیگران هم جشنی برگزار شود مطمئنم هر کدام ــ بجز خانم انصاری ــ فقط در صورتی شرکت خواهند کرد که سخنران باشند."

و در آخر هم مثل همیشه ابراهیم عمرانی وارد کارزار می‌شود و یک جورایی ختم غائله را اعلام می‌کند آنهم به قرار زیر:

تفاوت وب لاگ با وب سایت چیست ؟

Weblog

Website

سیده سمیرا حجازی[1]

چگونه می توان فهمید صفحه‌ای که شما می‌بینید یک وبلاگ است یا وب‌سایت. در این مورد هیچ قانون مدونی وجود ندارد و چنان‌ُه نویسنده اظهار کند که در حال وبلاگ‌نویسی است باید نظر او را قبول کرد. لیکن ۴ تفاوت اساسی میان این دو وجود دارد که عبارتند از: فرمت، نرم‌افزار، شخصیت و جامعه.

احتمالاً مهمترین عامل مشخص‌کننده یک وبلاگ از وب‌سایت شکل(فرمت) آن است. برای تمایز این دو از یکدیگر باید دید که آیا مطالب به‌دنبال هم می‌آیند؟ آیا طول آنها به‌طور عادی تنها چند خط یا پارگراف است؟ اگر نه آیا مطالب طولانی‌تر به وسیله لینک‌هایی مثل «بیشتر» یا «اینجا بخوانید» دنبال می‌شوند؟ آیا به‌نظر می‌رسد اجازه مشارکت و نظر دادن به خوانندگان داده شده است؟ با این که این موارد به‌طور نسبی ممکن است در بیشتر صفحات وب دیده شوند اما اگر دست‌کم پاسخ چند تا از این سئوالات مثبت باشد باید گفت با یک وب‌لاگ روبه‌رو هستید.

اما از نظر تکنیکی ساده‌ترین روش برای تشخیص وب‌سایت از وبلاگ استفاده از نوعی ابزار مخصوص برای تهیه وبلاگ است، در این صورت به راحتی می‌توان وبلاگ را از سایت متمایز کرد. اغلب نویسنده وبلاگ کسی است که از ابزار وبلاگ‌نویسی استفاده می‌کند، نشانه‌ای از ابزار وبلاگ‌نویسی یا عبارتی مربوط به حق مولف آن در گوشه انتها یا ابتدای یک وبلاگ دیده می‌شود لیکن ابزار به تنهایی وبلاگ را تعریف نمی‌کند چون برخی افراد با دیگر ابزارهای انتشار یا مدیریت محتوی وب کار می‌کنند.

ماهیت شخصیتی یک وبلاگ، عامل دیگری برای تمایز آن است. تعداد بسیاری از وبلاگ‌ها بر عقاید، آرا و تفکرات نویسندگان خود تکیه می‌کنند برخی سیاسی، فلسفی، تکنیکی، علمی یا معنوی هستند.

در این مورد هم هیچ قانون صریحی وجود ندارد که آیا تمام وبلاگ‌ها درباره عقاید صحبت می‌کنند یا نوعی روزنامه‌نگاری هستند. با این وجود تمام این عوامل نسبی بوده و با گذشت زمان و پیشرفت سریعی که در این حوزه وجود دارد دچار تغییر و تحول خواهند شد.

منبع

liblog.blogfa.com/Post-37.aspx

۱- دانشجوی کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی

بازهم دانشگاه آزاد

یک آقایی هم بود به اسم یمین فیروز که یک روز ملتفت شدم ایشان هم میل به ایمیل کرده و یک نامه دیجیتالی روانه گروه بحث فرموده‌اند در باب وضعیت گروه‌های کتابداری در دانشگاه آزاد و آورده بودند که:

"سلام دوستان

همان‌طور که می‌دانید دانشگاه آزاد در رشته کتابداری واقعا حرفی برای گفتن ندارد و من خود شاهد هستم و بودم که اعضای هیات علمی آنان در گروه کتابداری به‌خصوص در شهرهای کوچک بسیار ضعیف هستند و تنها مزیت آنان حرف زدن زیاد است و تا عمل بسیار فاصله دارند و ادعاهایشان به فلک می‌رسد.

... همین امروز یک استاد کتابداری دانشگاه آزاد که در حال دکتری گرفتن از هند است پیش من بود. قرار بود حق الزحمه‌اش را بهش بدن و به او گفتن اگر مقاله‌ای داری بیاور تا حق التدریست اضافه‌تر شود. می‌دانی چه شد دارای ۲ مقاله بود که آن مقالات فقط در حد گزارش بود و در خبرنامه چاپ‌شده بود. دیدم با خوشحالی تمام در حال کپی کردن آن است و یا بهتر اینکه آیا می‌دانید که همین فرد برای پایان نامه دکتری خود فقط در ایران ۲۸۰۰ پرسشنامه پخش کرده!!!..."

قصه‌این گروه‌های کتابداری دانشگاه آزاد هم مثل اینکه تمامی‌ندارد، به گمان ما که تازه وارد باشیم البته از آزادی هم چیزی باقی نمی‌ماند برای بندگان خدا، تکان می‌خورند باید حرف بشنوند. یک روز برای پولشان یک روز برای سودشان. در ضمن‌حالا یک مطلب چاپ شده در خبرنامه برای شما ارج و قرب ندارد؟ این طفلی سردبیر اگر بفهمد که سکته می‌کند و خونش می‌افتد گردن شما! در ضمن اینقدر ایراد نگیر برادر، طرف ۲۸۰۰ پرسشنامه پخش کرده که کرده، دارندگی و برازنده‌گی، یکی هم که می‌خواهد کار حسابی کند، شما جلویش را بگیر! دانشگاه آزاد است، آزاد هم هستند که هر چقدر دلشان خواست پرسشنامه بیرون بدهند! همین! شما ناراحتی؟! از من می‌شنوی نباش!

ـ کتاب‌های تجدید چاپی

کلیه اطلاعات این کتاب‌ها با کامپیوتر چک شده و در صورت تغییر، اصلاحات صورت می‌گیرد و در فرم مخصوص تجدید چاپ که قبلاً تهیه شده و شامل شماره ثبت کتاب، چاپ، سال، بها، شابک و اطلاعاتی که در چاپ قبلی ذکر نشده است (اطلاعات اضافی) و شماره سفارش می‌باشد، وارد می‌شود و در آخر هر ماه برای واردکردن اطلاعات تهیه شده به قسمت کامپیوتر فرستاده می‌شود.

در موردکتاب‌های چاپ اول یا ویرایش که قبلاً فهرست‌نویسی شده است، در ابتدا شماره‌های سفارش که در فرم فیپا درکتاب چاپ شده لیست شده و از روی سال مرتب می‌شود و کاربرگه‌هایی که قبلاً برای فیپا تهیه و توضیح داده شده و در زونکن قرار دارد از زونکن خارج می‌شود و با کتاب مقایسه و اصلاحات روی آن (با خودکار سبز برای نشان دادن اطلاعات تغییر یافته بعد از چاپ کتاب انجام می‌شود، اطلاعاتی که ناشر بعد از چاپ کتاب تغییر داده یا اضافه و کم کرده، عبارتند از: عنوان روی جلد، عنوان فرعی، عنوان عطف، تغییر ناشر که اغلب قبل از چاپ فرم درکتاب با نامه یا تلفن اطلاع می‌دهند)، شابک، تعداد صفحات، سال نشر در بعضی مواقع در موردکتاب‌های مراکز و شهرستان‌ها تغییرموضوع و رده بعد از انجام کلیهٔ اصلاحات درکاربرگه و مستندکردن اطلاعات، اصلاح شده و چک کلیه اطلاعات توصیفی و تحلیلی و در خاتمه چک رده‌ها با قسمت LC (شلف) و اعمال تغییرات و اصلاحات بر روی کارت LC و در صورت نبودن کارت، نوشتن کارت و انجام اصلاحات درکتاب جهت اصلاح رده برای آماده‌سازی و تایپ، کاربرگه‌ها از روی شماره سفارش مرتب شده و به قسمت کامپیوتر برای انجام اصلاحات فرستاده می‌شود و بعد از انجام اصلاحات و نمونه‌خوانی کاربرگه‌ها، ست کارت تکثیر شده و برای فایل در قسمت‌های مختلف ارسال می‌شود.

کتاب‌هایی که فرم فیپا ندارند یا فرم فیپا ناقص چاپ شده است:

ـ کلیهٔ این کتاب‌ها با کامپیوتر چک شده در بیشتر موارد ناشر فرم تهیه شده را درکتاب چاپ نکرده است یا چاپ کرده و شماره سفارش را غلط چاپ کرده‌اند و بازیابی کاربرگه را مشکل می‌سازد، در هر صورت شماره کاربرگه (شماره سفارش) با چک با کامپیوتر اصلاح می‌شود و کاربرگه بازیابی شده و چک را در اصلاحات مانند موارد قبل روی آن صورت می‌گیرد.

ـ در بعضی از مواردکتاب‌ها به هر دلیلی برای فیپا به کتابخانه آورده نشده است و با این تشخیص که کتاب فهرست نشده برای فهرست‌نویسی آن اقدام لازم صورت می‌گیرد.

ـ بعضی از کتاب‌ها نیز در حال فهرست‌نویسی شدن می‌باشدکه در این مواقع کتاب در دست اقدام تشخیص داده می‌شود تا در صورت فهرست‌نویسی کتاب، تجدید چاپ رد شود.

www.iilisa.ir
وب سایت انجمن

اصلاحات فهرست نویسی بعد از انتشار

مرضیه خان‌سفید

طبق قانون واسپاری ناشرین داخلی موظفند دو نسخه از هر کتابی راکه در ایران منتشر می‌شود از طریق وزارت ارشاد به کتابخانه ملی ارسال دارند. این کتاب‌ها در سفارشات داخلی بعد از چک، ثبت، مهر و نوشتن کارت موقت (جهت فایل در برگه‌دان) از طریق شماره ردیف، عناوین کتاب‌ها، شماره ثبت لیست شده و به قسمت فهرست‌نویسی فرستاده می‌شود.

لازم به ذکر است در سال ۱۳۷۴، تعدادی از سازمان‌های دولتی و خصوصی مبادرت به فهرست‌نویسی پیش از انتشار (PIP) در کتاب خود نمودند از جمله وزارت امورخارجه، مرکز نشر دانشگاهی، انتشارات سروش و در اسفند ۱۳۷۴ پیشنهاد طرح فیپا به هیات دولت ارائه شد و در اسفند ۱۳۷۵ به تصویب رسید. از مهر ماه ۱۳۷۷ کتابخانه ملی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ناشران اعلام کردند که فقط کتاب‌هایی که فرم فیپای کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را دارند می‌توانند مجوز چاپ کتاب خود را تهیه کنند که این برگه (فرم فیپا) باید در قسمت بالای شناسنامه کتاب و پشت صفحه عنوان چاپ شود.

ناشرین با مراجعه به خدمات فنی کتابخانه ملی (بخش فیپا) پرسشنامه‌ای راکه حاوی اطلاعات موردنیاز برای فهرست‌نویسی کتاب می‌باشد را پر می‌کنند و همراه با یک نسخه اثر به صورت چاپی یا اوزالید به این بخش تحویل داده و در مدت تعیین شده برای دریافت کارت فهرست‌نویسی کتاب مراجعه می‌کنند و هم‌چنین مراکزی نیز در شهرستان‌ها برای تسهیل در انجام کار در نظر گرفته شده است. بعد از انجام کار فهرست‌نویسی و تحویل فرم ناشر، کاربرگه و فرم پرسشنامه مخصوص فیپا که توسط ناشران پر شده به هم الصاق و از روی شماره سفارش که به هر اثر داده می‌شود در زونکن، در قسمت اصلاحات فهرست‌نویسی بعد از انتشار بایگانی شده تا بعد از ارسال کتاب چاپ شده به کتابخانه ملی، مورد چک مجدد و استفاده قرار گیرد.

ــ روزانه در حدود ۲۵۰ کتاب از طریق سفارشات داخلی که لیست آنها تهیه شده است به قسمت اصلاحات فهرست‌نویسی بعد از انتشار می‌آید و در ابتدا کتاب‌هایی که فرم فیپا در آنها چاپ شده از کتاب‌های دیگر جدا می‌شود و بعد کتاب‌های چاپ اول و ویرایش از کتاب‌های تجدید چاپی.

فرم درخواست عضویت در انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران

این قسمت توسط دفتر انجمن تکمیل می‌شود		
تأییدکننده:	تاریخ ثبت در سیستم:	شماره عضویت:
مشخصات فردی:		
نام خانوادگی:	نام:	نام پدر:
شماره شناسنامه:	محل صدور:	شماره ملی:
تاریخ تولد:	محل تولد:	

وضعیت تحصیلی: مقطع تحصیلی		نوع عضویت (ارسال کپی مدرک مربوطه الزامیست)	حق عضویت (ریال)
دکتر و بالاتر	☐	پیوسته	۵۰۰۰۰
دانشجوی دکتری	☐	پیوسته	۵۰۰۰۰
کارشناس ارشد	☐	پیوسته	۵۰۰۰۰
دانشجوی کارشناسی ارشد	☐	پیوسته	۳۰۰۰۰
کارشناس	☐	وابسته	۳۰۰۰۰
دانشجوی کارشناسی	☐	دانشجویی	۱۰۰۰۰
دیپلم	☐	وابسته	۳۰۰۰۰

شماره حساب جهت پرداخت حق عضویت: حساب جاری شماره ۳۰۶۰۴۸۸۸۰ بانک تجارت شعبه اکو (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک تجارت)

سابقه کار در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی: ..... سال

شغل و سمت فعلی:

آدرس منزل: تلفن: فکس:

آدرس محل کار: (ذکر استان و نام مؤسسه الزامی است) تلفن: فکس:

آدرس پست الکترونیکی:

زمینه‌های همکاری با انجمن:

آموزشی	☐	همایشها	☐
پژوهشی	☐	روابط عمومی	☐
انتشارات	☐	همکاری پاره وقت با دفتر انجمن	☐

سایر موارد (لطفاً نام ببرید) .....

خواهشمند است جهت صدور کارت عضویت یک قطعه عکس پرسنلی رنگی ۳×۴ پشت نویسی شده شامل (نام، نام خانوادگی، نام پدر، و شماره شناسنامه) به همراه فرم عضویت ارائه دهید.

تاریخ: امضاء:

نشانی :تهران : صندوق پستی :۵۶۶۷-۱۹۳۹۵، نمابر:۸۸۶۴۴۰۵۹، پست الکترونیکی : INFO@ILISA.IR
وب سایت: http://www.ilisa.ir